

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۴۵

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲، ۷ اکتبر ۲۰۲۳

### جنایتی دیگر در اوج استیصال

میلاد رابعی

حکومت اسلامی بار دیگر فاجعه آفرید. این بار آرمیتا گراوند دانش آموز سال یازدهم هنرستان در روز یکشنبه ۹ مهر قربانی این توحش شد. با گذشت چندین روز از این اتفاق قطعاً خوانندگان انترناسیونال در جریان چگونگی حادثه قرار دارند. حجاب بان‌های مستقر در ایستگاه متروی شهدا، در واگن مترو به آرمیتا حمله می‌کنند و در اثر اصابت سر روی به میله فلزی واگن آرمیتا درجا پی‌هوش شده و پس از انتقال به بیمارستان فجر نیروی هوایی ارتش به کما می‌رود و اکنون با مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کند.

این حادثه و خبر آن بلافاصله در جهان منعکس شد و واکنش‌های بسیاری را برانگیخت. روزنامه گاردین به نقل از دوستان آرمیتا و سایر شاهدان عینی حاضر در صحنه به بررسی ماجرا پرداخت. فضای مجازی و جامعه ایران همگی متوجه این جنایت تازه رژیم شدند و نسبت به حکومت ابراز نفرت کردند.

اما آنچه در نوع خود قابل تأمل است وحشت و دست‌پاچی حکومت است. طبق روال همیشه دوربین‌هایشان را بلافاصله سراغ خانواده شوکه‌شده آرمیتا فرستادند و درحالی که آن‌ها هنوز از شنیدن خبر حادثه مبهوت بودند، مجبورشان کردند تا اعتراف کنند که آرمیتا دچار افت فشار شده است. گویا خانواده او همراهش بوده‌اند و از چگونگی ماجرا آگاه هستند! اساساً آن‌ها در آن لحظات از کجا می‌توانستند دلیل پی‌هوشی دخترشان در آن سوی شهر را بدانند؟ باین حال مأموران سرکوب موبایل‌های خانواده آرمیتا را از سر وحشت توقیف می‌کنند. «همچنین به گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، معلمان آرمیتا توسط رئیس حراست وزارت آموزش و پرورش تهدید شدند که از انتشار هرگونه خبر یا عکسی از او خودداری کنند.»

مردم بلافاصله پس از شنیدن خبر به سوی بیمارستان شتافتند که با سد عظیم نیروهای سرکوب مواجه شدند. در این میان خبرنگاری که برای تهیه گزارش به بیمارستان مراجعه کرده بود نیز بازداشت شد.

وحشت و استیصال همچنان سرپای رژیم را فرا گرفته است. با انتشار تصاویر نصفه‌نیمه‌ای از ورودی مترو سعی کردند جو را آرام کنند اما مردم پاسخ دادند اگر حق با شما است تصاویر درون واگن را نشان بدهید. «گزارش‌هایی در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد به دنبال رسانه‌ای شدن خبر بی‌هوشی آرمیتا، عوامل حجاب بان از ایستگاه‌های مترو تهران جمع‌آوری شدند. شهرداری تهران از اواسط مرداد ۱۴۰۲ تعدادی نیرو را به‌عنوان حجاب بان در مترو استخدام کرده بود.» تمام تلاش خود را برای کنترل اوضاع به کار بسته‌اند و

ادامه در صفحه ۹



### مهاجرین افغانستانی: دشمن یا قربانی؟

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

صفحه ۲

### تندیس قاسم سلیمانی زیر باران آشغال

مهران محبی

صفحه ۵

### فدرالیسم و تمامیت ارضی

متن گفتگو با کاظم نیکخواه در تلویزیون کانال جدید

صفحه ۶

### فراخوان حزب کمونیست کارگری

### در مورد تبلیغات فاشیستی علیه مهاجرین افغانستانی

صفحه ۱۰

بیانیه سه نهاد به مناسبت دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام

### فرمان انقلاب زن زندگی آزادی: لغو مجازات اعدام!

صفحه ۱۱

### اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۲

### گزارشی از برخی آکسیون‌های هفته اخیر

صفحه ۱۷



## مهاجرین افغانستانی: دشمن یا قربانی؟ تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید (برای تماشای این برنامه بر روی عکس کلیک کنید)

**حسن صالحی:** روز سوم مهر ۱۴۰۲ یک ویدئو در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی پخش شد که از سیل ورود مهاجرین افغانستانی به ایران خبر می‌داد. پخش این ویدئو، اگر چه گفته شد قدیمی است، بهانه‌ای شد که موج جدیدی از حملات راسیستی و نژادپرستانه علیه افغانستانی‌های ساکن ایران راه بیفتد. حملاتی که هم جمهوری اسلامی و هم نیروهای راست در آن دست داشتند. این حملات از کجا ناشی می‌شود و قصد و نیت جمهوری اسلامی از حملات راسیستی و مسموم علیه مهاجرین افغانستانی در شرایط حاضر چیست؟ در این رابطه با حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران به گفتگو می‌نشینیم.

حمید تقوایی قبل از اینکه به تحلیل وقایع اخیر بپردازیم می‌دانیم که تبلیغات زهرآگین و رفتار راسیستی علیه افغانستانی‌های ساکن ایران سابقه طولانی دارد. از ندادن حق شهروندی و اقامت به آنها تا خودداری از نام‌نویسی. فرزندان آنها در مدارس و یا عدم صدور شناسنامه برای فرزندان آنها و تا راه‌اندازن آنها به پارک‌ها جلوه‌هایی از تبعیضات و بی‌حقوقی‌های فاحش علیه افغانستانی‌های ساکن ایران است. علت این سیاست و رویکرد چیست؟

حمید تقوایی: ریشه مسئله این است که جمهوری اسلامی با هر کسی که مورد قبول و تایید خودش به‌عنوان "ایرانیان شیعه" نباشند مشکل دارد. از نظر ایدئولوژیک خارجی ستیزی رژیم ملغمه‌ای از اسلامیت و مشخصاً تشیع، و ایران مقدس به‌عنوان مرکز جغرافیایی این تشیع است و از نقطه نظر سیاسی و عملی این خارجی ستیزی ابزار تفرقه‌افکنی رژیم در میان مردم و شقه‌شقه کردن جامعه است

کلاً دولت‌های ناسیونالیست که همه دولت‌های موجود در جهان امروز را شامل می‌شود، از تعصبات ملی پرچی می‌سازند برای غیرخودی و خودی کردن ساکنان کشور خود. معمولاً مسائل اقتصادی و اجتماعی را به مهاجرین و پناهندگان نسبت می‌دهند و به این ترتیب توجه‌ها را از ریشه واقعی مسائل که مستقیماً گریبان خودشان را می‌گیرد، منحرف می‌کنند. این سیاست رایجی است که نمونه اخیر و خیلی بارز آن سیاست‌های آقای ترامپ در آمریکا بود. در کشورهای دیگر هم کمابیش همین‌طور است. حتی در کشورهای به اصطلاح پیشرفته اروپایی هم این یک سیاست رایج است چه برسد به جمهوری اسلامی که اصلاً تمام هویتش ضدیت با برابری انسان‌هاست. جمهوری اسلامی یک حکومت

**حسن صالحی:** همانطور که امروز نیروهای راسیستی در خارج کشور پناهندگان و از جمله مهاجرین ایرانی را عامل همه بدبختی‌ها و بیکاری در جامعه معرفی می‌کنند، حکومت اسلامی هم تلاش دارد همه مشکلاتی که خودش بانی آنهاست را به گردن افغانستانی‌ها در ایران بیندازد. در هفته‌ها و ماه‌های اخیر متأسفانه تبلیغات دولتی ضد افغانستانی‌های مهاجر هم تشدید شده است. مقامات و رسانه‌ها در ماه‌های اخیر از مشکل به‌هم خوردن توازن قومی به‌خاطر مهاجرت مردم از افغانستان صحبت می‌کنند. می‌گویند باید دولت در مورد این مسئله فکری بکند. یا با باز شدن مدارس در مجلس اسلامی مطرح می‌شود که اولیای دانش‌آموزان از حضور کودکان افغانستانی در مدارس ناراحت‌اند. از سوی دیگر بعضی از مقامات، افغانستانی‌های مهاجر را برادران و خواهران مسلمان و مدافع نظام معرفی می‌کنند و گفته می‌شود شماری از آنها در نیروهای مسلح حکومت و از جمله لشکر فاطمیون بکار گرفته می‌شوند این نوع مواضع و گفت‌وگوها نشانه چیست؟ آیا تبلیغات حکومت علیه افغانستانی‌ها



افغانستانی‌ها است که همانطور که گفتم ضرورتش از مقابله با انقلاب و سرکوب انقلاب ناشی می‌شود.

**حسن صالحی:** نیروهای اپوزیسیون راست و مشخصاً سلطنت‌طلب‌ها هم در کوره تبلیغات ضد مهاجرین افغانستانی حکومت می‌دمند. همانطور که در ابتدای این مصاحبه اشاره کردم اخیراً گلبی را در مدیای اجتماعی در مورد سیل جدید مهاجرین افغانستانی پخش کردند و نتیجه گرفتند که حکومت برای استفاده آنها در انتخابات تعداد زیادی را از افغانستان وارد کشور کرده است. خبرگزاری فارس هم در پاسخ اعلام کرد که این ویدئو قدیمی است و مربوط به امروز نیست و البته دیگران هم گفتند که این کلیپ قدیمی بوده است. در مورد مواضع نیروهای راست چه نظری دارید؟

**حمید تقوایی:** برای نیروهای راست هم این سیاست‌های ضد افغانستانی یک مکان ایدئولوژیک استراتژیک دارد. می‌دانید که اساس ارزش‌ها و شعارهای اصلی و استراتژیکشان شان، میهن‌پرستی و خاک پاک میهن است. ایرانی‌گری و ناسیونالیسمی که حتی تا نژادپرستی، آریایی‌گری و عظمت‌طلبی فارس به پیش می‌رود.

در سطح سیاسی اساس تبلیغات سلطنت‌طلبان و نیروهای اپوزیسیون راست این است که ایران را باید از خارجی‌ها پس گرفت. جمهوری اسلامی را یک نیروی خارجی، تازی و غیره می‌دانند، خمینی را هندی معرفی می‌کنند و کلاً یک بعد مهم مخالفتشان با جمهوری اسلامی عرب‌ستیزی و خارجی‌ستیزی است، و یکی از انتقاداتشان به جمهوری اسلامی این است که ایران و ایرانی‌گری و خاک پاک ایران برایش مهم نیست.

در حالی که جمهوری اسلامی دست کمی از سلطنت‌طلبان در "دفاع مقدس" از خاک پاک ایران ندارد. جنگ خانه‌خراب‌کن با عراق، زیر پرچم "دفاع مقدس از ایران اسلامی" صورت گرفت.

به همین دلیل هم در این جنگ، و کلاً در اقدامات نظامی رژیم و سپاه قدس در منطقه، سلطنت‌طلب‌ها و نیروهای ناسیونالیست مشکل چندانی با جمهوری اسلامی ندارند. روی دیگر سکه عرب‌ستیزی اپوزیسیون ناسیونالیست و مشخصاً سلطنت‌طلبان، دفاع از جمهوری اسلامی در جنگ با عراق، چراغ‌سبز دادن به سپاه پاسداران و یا ستایش از قاسم سلیمانی به‌عنوان سردار ملی است!

در حال نیروهای اپوزیسیون راست از نقطه نظر تأکیدی که بر ایرانیت و خاک‌پرستی و آریایی‌پرستی دارند، تماماً علیه مهاجرین افغانستانی هستند. آنها را حداکثر شهروندان درجه دوم می‌دانند. سلطنت‌طلب‌ها هم از همین امروز دارند بر این طبل می‌کوبند که ریشه مسائل ما مهاجرین افغانستانی هستند. از جمله تبلیغات اخیرشان مبنی بر اینکه سیل مهاجرت از افغانستان بالا گرفته و این سیاست رژیم برای شرکت دادن آنها در انتخابات است و غیره. پوچی این تبلیغات کاملاً واضح است. رژیم برای بالابردن آمار رأی‌دهندگان احتیاجی به وارد کردن خارجی‌ها ندارد. ریش و قیچی دست خودش است. شناسنامه صادر می‌کند، از شناسنامه فوت‌شدگان استفاده می‌کند، صندوق‌سازی می‌کند و هزار تقلب دیگر. همانطور که اشاره کردید فوراً روشن شد که ویدئویی که این شایعات را رویش سوار کرده بودند قدیمی و مربوط به چند سال قبل است.

کلاً باید گفت تا آنجا که به افغانستانی‌ها

مهاجرین افغانستانی: دشمن یا قربانی؟  
از صفحه ۲

تشدید شده است؟ آیا می‌خواهند از آنها علیه بقیه مردم استفاده کنند؟ کلاً رابطه این سیاست‌ها با انقلاب جاری چیست؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردم معمولاً دولت‌ها مسائل داخلی خودشان بخصوص مسائلی نظیر بیکاری و فقر کلاً شرایط بد معیشتی مردم را به گردن خارجی‌ها می‌اندازند. در همین کشورهای غربی هم ما شاهد این هستیم. می‌گویند مهاجرین کار ما را گرفتند، اینها با مزد کمتری کمتر کار می‌کنند و باعث می‌شوند که جوانان ما، یعنی شهروندان غیرمهاجر، بیکار بشوند و غیره و غیره. حتی ادعا می‌کنند که در قانون‌شکنی و ارتکاب جرم هم "خارجی"‌ها پرونده‌های سنگین‌تری دارند. در ایران هم در مورد افغانستانی‌ها همین نوع شایعات و ادعاها رایج است.

همانطور که گفتم این افغانستانی‌ستیزی جزئی از سیاست‌های هویتی رژیم است. ولی وقتی انقلاب زن زندگی آزادی شروع شد در دل این انقلاب همه چیز معنای تازه‌ای برای حکومت پیدا کرد. حکومت همه چیز را بکار گرفته است در خدمت حفظ خودش در قدرت و عقب‌راندن و به شکست کشاندن موج عظیم انقلابی که آغاز شده و تا امروز ادامه دارد. از

جمله مسئله مهاجرین افغانستانی و پناهجویان و پناهندگان افغانستانی هم همین جایگاه را برای حکومت پیدا کرده است. حکومت سعی می‌کند به هر ترتیبی شده هم در صفوف مردم تفرقه بیندازد و هم این‌طور وانمود کند که ریشه بسیاری مشکلات مهاجرین هستند. به این ترتیب اذهان را از مسئله اصلی انقلاب که مسئله مبتلابه همه مردم ساکن ایران، چه افغانستانی چه غیر افغانستانی،

است، یعنی فقر، تبعیضات و بی‌حقوقی‌ها منحرف کند و بخش‌های مختلف جامعه را در برابر یکدیگر قرار بدهد. همانطور که در رابطه با کردستان و نیروهای فعال اپوزیسیون در کردستان با انگ تجزیه‌طلبی وارد می‌شود و در مورد سیستان و بلوچستان هم همین را می‌گوید، در مورد افغانستانی هم ادعا می‌کند که مسئله آفرین هستند و مردم باید حساب خود را از آنها جدا کنند. هدف از همه این سیاست‌ها به‌ویژه در دل انقلاب حاضر، تفرقه‌افکنی در صفوف مردم است. اینجا دیگر هدف رژیم تنها سرزنش کردن "خارجی‌ها" برای مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی نیست، بلکه فراتر است. رژیم می‌خواهد مهاجرین افغانستانی را نیروی معرفی کند که ضربه می‌زنند به جامعه ایران و به امت اسلامی و غیره، و باید در مقابلشان ایستاد.

حتی این گفتمان که بخشی از افغانستانی‌ها در نیروهای سرکوبگر استخدام شده‌اند را هم رژیم باد می‌زند برای آنکه وانمود کند در میان افغانستانی‌ها پایگاه و نفوذ دارد. این نوعی نعل وارونه زدن است. می‌خواهد با منسوب کردن آنان به خود مردم را از مهاجرین افغانستانی متنفر بکند چون می‌داند که وابستگی هر بخش از جامعه به حکومت موجب طرد آنها از طرف مردم خواهد شد. با این ترفند می‌خواهد در میان مردم تفرقه بیندازد.

مجموع اینها جلوه‌های تازه‌ای از آن سیاست راسیستی عمومی رژیم علیه

انقلاب هم‌جهت است و با قلب انقلاب می‌تپد، برخورد انسانی به همه ساکنین جغرافیای سیاسی ایران است. از جمله به مهاجرین افغانستانی.

**حسن صالحی:** موضع و سیاست انسانی در برخورد به مهاجرین افغانستانی چیست؟

**حمید تقوایی:** به نظر من خود شعار زن زندگی آزادی بهروشنی نشان می‌دهد که بحث بر سر چیست. بحث بر سر رهایی و آزادی زن است که امروز می‌بینید یک جنبش عظیم با همین هدف در خود افغانستان وجود دارد. از جمله شاهد اعتراضات زنانی هستیم که تحت فشار سیاست‌های طالبانی از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی حتی از تحصیل در دانشگاه محروم شده‌اند. در واقع مسئله بی‌حقوقی زن یک مسئله اساسی جامعه ایران و جامعه افغانستان هر دو است. طبعاً مهاجرین افغانستانی که از دست طالبان فرار کرده‌اند، به همین نوع بی‌حقوقی‌ها در ایران نیز تن نمی‌دهند.

کلمه دیگر در این شعار، زندگی، یعنی معیشت، یعنی رفاه، یعنی برخورداری از یک زندگی درخور انسان قرن بیست و یکم. این هم امر مشترک همه مردم ساکن ایران است، مستقل از اینکه کجا زاده شده‌اند و از کجا به کجا مهاجرت کرده‌اند. مبارزه برای تأمین زندگی، به‌ویژه برای مهاجرین افغانستانی که به سخت‌ترین و مشقت‌بارترین کارها تن می‌دهند و جزء زحمت‌کش‌ترین و بی‌حقوق‌ترین بخش‌های جامعه هستند، امری مبرم و حیاتی است.

و بالاخره آزادی! آزادی از هر نوع سرکوب مذهبی، از هر نوع سلطه سیاست‌های غیرانسانی، از هر نوع دیکتاتوری که هم حکومت طالبان نمونه مجسم آن است و هم رژیم جمهوری اسلامی.

از هر نظر که نگاه کنید شعار زن زندگی آزادی حرف دل مردم افغانستان هم هست. همانطور که حرف دل خیلی از مردم دنیا است.



انقلاب زن زندگی آزادی، باتوجه‌به اینکه بخشی از مهاجرین ساکن ایران از افغانستان هستند، این پیوندها را قوی‌تر می‌کند. پیوند بین مهاجرین افغانستانی و بخش‌های دیگر مردم را بیشتر می‌کند؛ چون هم در مبارزه علیه زن‌ستیزی، هم در مبارزه علیه مذهب حاکم، هم در مبارزه برای آزادی، و هم در مبارزه برای رفاه و زندگی انسانی، کاملاً هم‌بسته، هم‌هدف و هم‌جهت هستند.

به این اعتبار سیاست درست در تأکید بر این همدردی، تأکید بر این همبستگی، و تأکید بر شعارهای انسانی و جهان‌شمولی است که انقلاب زن زندگی برای آن برپا شده. این انقلاب نه‌تنها مردم ایران را می‌تواند از شر جمهوری اسلامی رها کند بلکه، فراتر از آن، می‌تواند تأثیرات عمیقی در منطقه از جمله در افغانستان داشته باشد. نه‌تنها مهاجرین افغانستانی بلکه همه مردم افغانستان با مردم ایران همراه و همدل و هم‌جهت‌اند و باید هر نیروی انقلابی مدام به این وجوه مشترک و انسانی و همسویی مردم در افغانستان و در ایران، مهاجر و غیرمهاجر، تأکید کند و سیاست‌هایش را بر این مبنا قرار دهد.

۱۴ اکتبر ۲۰۲۳، ۱۲ مهر ۱۴۰۲

مهاجرین افغانستانی: دشمن یا قربانی؟  
از صفحه ۳

ستیزی مربوط می‌شود نیروهای راست و رژیم اسلامی کاملاً هم خط و جهت هستند.

برای مقابله با این خط ارتجاعی و ضدانسانی باید نه‌تنها علیه رژیم اسلامی بلکه کلیه نیروهای ناسیونالیست ایرانی در اپوزیسیون و در پوزیسیون ایستاد و قاطعانه آنها را عقب زد.

**حسن صالحی:** به نظر می‌رسد تبلیغات حکومتی علیه مهاجرین افغانستانی در میان بخشی از مردم مؤثر بوده است. کلیپ‌هایی از مردم در مدیای اجتماعی منتشر می‌شود که مهاجرین افغانستانی را ریشه‌بسیاری از مشکلات می‌دانند. آیا به نظر شما گرایش ضد افغانستانی در جامعه در حال رشد است؟

**حمید تقوایی:** متأسفانه این گرایش ضد افغانستانی در جامعه هم مشاهده می‌شود و این البته از تأثیرات تبلیغات کاملاً زهرآلودی است که جمهوری اسلامی پیش می‌برد و نیروهای اپوزیسیون راست هم در آن می‌دمند. اینها بالاخره تأثیر مخربی داشته است. منتها بخش زیادی از مردم هم هستند که از موضعی انسانی به موضوع برخورد می‌کنند. شما در مدیای اجتماعی می‌بینید که دفاع از افغانستانی‌ها به‌عنوان انسان‌هایی زجرکشیده و قربانیان دورژیم اسلامی طالبان و جمهوری اسلامی و نظایر آن کم نیست.

از سوی دیگر دیدیم که مهاجرین افغانستانی بخصوص در ماه‌های اول انقلاب، در موارد متعددی در حرکت‌های اعتراضی نقش داشتند و مورد حمایت مردم قرار گرفتند. می‌خواهم بگویم این گرایش هم در جامعه به چشم می‌خورد.

به نظر من آنچه رو به رشد است همین گرایش مترقی و انسان‌دوستانه است. چون انقلاب رو به تعمیق است، چون انقلاب رو به رشد است و بسیاری از ناخالصی‌هایی که شاید در ماه‌های اول انقلاب دیده می‌شد الان پالوده شده، کنار گذاشته شده و جامعه دارد با شعارها و خواسته‌های عمیق‌تر و انسانی‌تری حرکت می‌کند. منشورهایی که در این انقلاب داده شد، بیانیه‌ها و پیام‌های و فراخوان‌هایی که در انقلاب داده می‌شود، از جمله از جانب کارگران، بازنشستگان، از جانب دانشجویان و جوانان، از جانب دادخواهان و بخش‌های مختلف جامعه، اینها همه کاملاً انسانی، پیشرو و مترقی است، اثری از گرایش‌های ناسیونالیستی و خارجی‌ستیزی در آنها دیده نمی‌شود. شعار کرد بلوچ آذری آزادی و برابری یک شعار سراسر در این انقلاب است و به نظر من گرایش عمومی این است که در رابطه با مهاجرین افغانستانی هم باید همین تأکید بر آزادی و برابری را محور قرار داد. باید حقوق شهروندی مساوی برای همه ساکنین ایران به رسمیت شناخته شود هر کجا زاده شده باشند. این گفتمانی است که هر چه بیشتر در جامعه قدرت می‌گیرد.

در حال من فکر می‌کنم در عین اینکه گرایش افغانستانی‌ستیزی، اساساً به‌خاطر تبلیغات نیروهای راست در حکومت و در اپوزیسیون، متأسفانه در جامعه وجود دارد؛ ولی گرایش رو به رشد، آن روندی که با



## تندیس قاسم سلیمانی زیر باران آشغال

### مهران محبی

نشست مشترک میان وزرای خارجه ایران و عربستان بر سر بازگشائی سفارت عربستان در ایران در سالی که عامدانه عکس قاسم سلیمانی بر دیوار آن نصب شده بود برگزار کنند، به خاطر اعتراض عربستانی‌ها به وجود عکس قاسم سلیمانی در سالن مجبور به تغییر مکان نشست شدند. همچنین در مراسم بازگشائی سفارت عربستان در هتل اسپیناس تهران با شور و هیجان شرکت می‌کنند و دلچکی مانند محمدعلی بک مدیرکل خلیج فارس وزارت امور خارجه برای خشنود کردن طرف مقابل در رقص شمشیرش شرکت می‌کند و برای آوردن "رونالدو" ستاره فوتبال جهانی عضو فعلی تیم النصر عربستان به ایران هزینه‌های گزاف می‌کند و فرس ۴ میلیاردتومانی به او هدیه می‌دهد. این وضعیت امروز جمهوری اسلامی است که هر پشتکوارویی می‌زند تا فقط وانمود کند که هنوز دارای جایی در سطح بین‌المللی است.

اما جمهوری اسلامی با وجود آن همه هزینه سیاسی و اقتصادی ای که برای روتوش کردن هرچند ضعیف سیمای آبروخته و منزوی خود کرد، نتوانست هیچ دست آوردی کسب کند. دلیلش واضح است. در ایران یک انقلاب عمیقاً انسانی در جریان است که هر تلاش حکومت برای وارونه جلوه دادن موقعیت درمانده خودش و فضای انقلابی جامعه را به ضد خودش تبدیل می‌کند و آن را پی در پی درمانده‌تر و بی‌اعتبارتر چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی می‌کند.

پی‌تردید تحت چنین شرایط انقلابی ای است که بازیکنان تیم الاتحاد عربستان حاضر نمی‌شوند در زمینی بازی کنند که تندیس قاسم سلیمانی در آن نصب شده است. احتمالاً سابقه کشاکش‌های دولت‌های عربستان و جمهوری اسلامی در منطقه نیز در این تصمیم تأثیر مستقیم دارد. به‌هرحال هرچه هست بازیکنان تیم الاتحاد حق دارند که به وجود تندیس یک چهره آدمکش و تروریست اسلامی که جنایات بی‌شماری مخصوصاً در منطقه کرده است اعتراض کنند و حاضر به بازی در برابر آن نشوند.

به این ترتیب حکومت اسلامی روز دهم مهر هم توسط بازیکنان تیم فوتبال عربستان بی‌آبروتر از گذشته شد و هم تماشاچیان حاضر در ورزشگاه، ورزشگاه را به صحنه‌ای پر شور از اعتراض به حکومت تبدیل کردند. تماشاچیان متنفر از حکومت به دنبال لغو بازی با سردادن شعارهای "ما فوتبال با سیاست نمی‌خوایم"، "تندیس سلیمانی، برش دار، برش دار" و "مرگ بر دیکتاتور" و اقدام هم‌زمان به پرتاب بطری‌های خالی و آشغال‌ها به سمت تندیس سلیمانی، جمهوری اسلامی را وحشت‌زده و درمانده‌تر کردند.

اعتراض گسترده و متحدانه تماشاچیان در ورزشگاه نقش جهان به نصب تندیس

روز دهم مهر قرار بود در استادیوم نقش جهان اصفهان میان تیم‌های فوتبال الاتحاد عربستان و سپاهان مسابقه‌ای برگزار شود. جمهوری اسلامی از قبل برای سوءاستفاده خود از این دیدار ورزشی برنامه‌ریزی کرده بود. از جمله همراه با امنیتی کردن فضای استادیوم برای کنترل اوضاع و جلوگیری از شکل‌گیری اعتراض علیه حکومت، تندیس قاسم سلیمانی، نماد جنایت، تروریسم و کودک‌کشی را در ورزشگاه نصب کرده بود.

مسئولان و سران حکومت که انتظار برگزاری مسابقه فوتبال تحت شرایط امنیتی و فضای تبلیغی ای که فراهم کرده بودند را می‌کشیدند، ناگه با عکس‌العمل اعتراضی بازیکنان تیم الاتحاد عربستان در مواجهه با تندیس قاسم سلیمانی روبرو شدند و آنها حاضر به رفتن به زمین بازی نگردیدند. مسئولان امنیتی و باشگاهی تمام تلاششان را کردند تا بازیکنان عربستان را قانع و راضی به برگزاری مسابقه کنند، اما ناکام ماندند. بازیکنان عربستان بر شرط خود برای رفتن به زمین بازی مبنی بر برداشتن تندیس این قاتل کودک‌کش ماندند و در نهایت به دلیل ندادن مسئولان باشگاه به برداشتن تندیس، مسابقه را برگزار نکردند.



برای جمهوری اسلامی برگزاری این مسابقه اهمیتی حیثیتی داشت و می‌خواست نشان دهد که در شرایطی که در داخل مورد تنفر عمومی قرار گرفته و انقلابی در جریان است که دارد نفس‌های آخر حکومت را می‌گیرد، حداقل در عرصه بین‌المللی خیلی منزوی و بی‌اعتبار نشده است. اما شکست سختی خورد و نه تنها موفقیتی برای

روتوش کردن چهره منزوی اش در سطح بین‌المللی به دست نیاورد، بلکه جمعیت چندین هزار نفری جوانان و تماشاچیان در ورزشگاه به بهانه لغو بازی، ورزشگاه را تبدیل به میدان اعتراض علیه حکومت کردند.

حکومتی که به دنبال اعدام شیخ نمر روحانی مخالف دولت عربستان توسط دولت عربستان، اراذل و اوباشش را در دی‌ماه ۱۳۹۴ گسیل کرد تا از دیوار سفارت عربستان در تهران بالا بروند و باعث قطع روابط سیاسی و دیپلماتیکش با عربستان شد و در ادامه سرانش بر طبل پیروزی بر عربستان به‌عنوان غده سرطانی در منطقه و جهان اسلام می‌کوبیدند و حمله به سفارت عربستان را تحقق وعده الهی مبنی بر ناپایداری ظلم تفسیر می‌کردند، امروز به هر دری می‌زند و هر تحقیری را می‌پذیرد تا روابط خود را با عربستان بهبود بخشد. در همین چند ماه اخیر بارها به حقارت و رقصیدن با ساز دیپلمات‌ها و نمایندگان وزارت خارجه عربستان حتی در نشست‌هایی که در مراکز حکومتی در ایران برگزار شده است، تن داده‌اند. به‌عنوان نمونه پس از التماس‌ها و دادن امتیازات پشت پرده فراوان به عربستان برای بازگشائی سفارتش در تهران به حقارت‌های آشکاری تن می‌دهند. از جمله هنگامی که می‌خواستند در اواخر خرداد



## فدرالیسم و تمامیت ارضی

متن گفتگو با کاظم نیکخواه در تلویزیون کانال جدید  
(برای تماشای این برنامه بر روی عکس کلیک کنید)

قرار می‌گیرد. چرا؟ به‌خاطر اینکه اگر دقت کنید این جریان‌ها یک‌ذره ربطی به خواست‌های واقعی مردم و زندگی مردم ندارند. شما یک جریان ناسیونالیست و سلطنت‌طلب را نمی‌بینید که علیه حجاب کمپین و کارزار راه انداخته باشد. به‌ویژه قبل از اینکه این انقلاب شروع شود. از معیشت مردم، از اینکه زندانی سیاسی باید آزاد شود، از اینکه اعدام نباید باشد، زن و مرد باید برابر باشند. تبعیضات ملی و قومی و اجتماعی باید ریشه کن شود. حقوق‌های نجومی باید برچیده شود. اینها در تبلیغات اینها جایی ندارد. اگر هم جایی گوشه‌ای از این نوع خواست‌ها را با لکننت مطرح می‌کنند زیر فشار انقلاب و اعتراضات مردم است. زیر فشار جامعه است. هویتشان هیچ ربطی به اینها که گفتم ندارد. هویتشان در واقع ضد این‌هاست. از مذهب دفاع می‌کنند. از تعصبات ملی دفاع می‌کنند. از برتری نژادی ایرانیان دفاع می‌کنند و از سیستم‌های استثمارگر و چپاولگر دفاع می‌کنند و الی‌آخر. یعنی در قاموس اینها طرح و برنامه و خواستی برای رفاه مردم، برای برابری و آزادی مردم برای دستیابی مردم، انسان‌ها به زندگی انسانی وجود ندارد که برایش مبارزه کنند. کمپین و کارزار راه بیندازند. برخلاف کمونیست‌ها و جریان‌ها چپ و به‌ویژه حزبی مثل حزب ما که تمام مشغله‌اش این نوع مبارزه برای ازین‌بردن فقر و تبعیضات اجتماعی است. در نتیجه وقتی که این نوع خواست‌ها امروز در جامعه گسترش پیدا می‌کند و وسیعاً مطرح می‌شود اینها خود را زیر فشار می‌بینند و حاشیه‌ای می‌شوند. تلاش می‌کنند یک مقولات دیگری را وسط بکشند و جنگ و کشاکش بر سر آنها را داغ کنند که خودشان بشوند سردمدار جنگ و جدال. سعی می‌کنند جنگی راه بیندازند جدالی راه بیندازند و تفرقه‌ای راه بیندازند که موضوع چیزی بشود که آنها با آن تداعی می‌شوند و هیچ ربطی به زندگی مردم ندارد و آن مسئله ملی، مرز، تقدس خاک و پرچم و جانم فدای ایران و این‌هاست. این اساس مسئله و هدف طرح این نوع موضوعات و بحث‌ها از جانب جریان‌ها سلطنت‌طلب و ناسیونالیست است. طبعاً در کنار تمامیت ارضی پرچم مهم است، میهن مهم است، وطن مهم است، اما زندگی شهروندان مهم نیست. زندگی و جان مردم باید فدای مرز و خاک و وطن شود. آزادی مردم از سرکوب اساسی نیست. اعدام باید لغو شود مهم نیست. این نوع موضوعات را هم الان زیر فشار انقلاب زن زندگی آزادی، زیر فشار خود ما، بعضاً با آکراه به درجه‌ای و با اما و اگرهایی مطرح می‌کنند؛ ولی در قاموس آنها در برنامه آنها در حرکت

سیما بهاری: با درود به همه شما بینندگان گرامی. مشغله و بحثی تحت عنوان تمامیت ارضی و فدرالیسم روشن است که بحث و نکته مطرح و قابل‌مشاهده‌ای در میان مردم به طور عموم نیست. در اعتراضات و در بیانیه‌ها این مقوله و این نوع شعارها مطرح نشده است. در اعتراضات مردمی و بیانیه‌های مردم خواست‌ها و شعارهایی که به طور واقعی بیانگر خواست‌های واقعی مردم است بیان می‌شود. اما برخی جریان‌ها این نوع شعارها و بحث‌ها را دامن می‌زنند و باد می‌زنند و برخی تلاش می‌کنند آن را به مشغله مردم تبدیل کنند. تمامیت ارضی و فدرالیسم. سؤال این است که هدف این جریان‌ها از بزرگ کردن و مطرح کردن این نوع مقولات و شعارها چیست؟ چه چیز را دنبال می‌کنند. در برنامه امروز از کاظم نیکخواه دعوت کرده‌ایم که در برنامه ما شرکت کنند و به سؤالات ما پاسخ بدهند.

اجازه بدهید از مقوله‌ای بنام تمامیت ارضی شروع کنیم. سؤال من این است که هدف جریان‌هایی مثل سلطنت‌طلب‌ها و یا کلاً جریان‌ها راست که این مسئله را باد می‌زنند چیست؟ طرح این نوع شعارها به چه معناست؟ چه جایگاهی در میان مردم دارد مگر چه شده که باید در مورد تمامیت ارضی حساس بود و بحث کرد؟

کاظم نیکخواه: قبل از جواب به سؤال مشخص شما اجازه دهید از همین اول تأکید کنم که طرح شعارهایی مثل تمامیت ارضی از یک طرف و در مقابلش فدرالیسم و امثالهم در شرایط امروز ایران مسموم‌ترین و مضرترین و می‌توانم بگویم ارتجاعی‌ترین شعار و تلاش است که می‌خواهد آشکارا در میان مردمی که متحدانه دارند علیه یک حکومت جنایت‌کار می‌جنگند، تفرقه ایجاد کند. از شمال تا جنوب، شرق تا غرب آذربایجان و کردستان اهواز و تهران مردم دارند یک‌دست و متحد مبارزه می‌کنند، و در این میان یک جریان‌های آمده‌اند و می‌خواهند با این بحث‌ها فضای جامعه را آلوده کنند. وقتی می‌گویند تمامیت ارضی یعنی مرزهای کشوری نباید دست بخورد و این مرزها مقدس است. مرزهای کشور به همان شکل گریه نشان باید باقی بماند. (البته منظورشان این است که کوچک‌تر نشود. اگر بزرگ‌تر بشود و مثلاً حکومتی برود تنب بزرگ و کوچک را بگیرد مشکلی نیست!). اساس موضع اینها این است که بگویند خاک و مرز مقدس است و بر هر چیزی مقدم است. حتی بر زندگی مردم مقدم‌تر است. «جانم فدای ایران» و امثال اینها یعنی تعصب ملی، تعصب بر سر مرز و خاک برجسته می‌شود، و در مرکز اهداف و سیاست برخی جریان‌ها



آنها این نوع موضوعات جای جدی ای ندارد.

**سیما بهاری:** سؤال این است که مگر الان در سطح ایران در اعتراضاتی که مردم دارند مطرح می کنند مگر مسئله ای بنام تغییر مرز و امثال اینها مطرح شده که امروز اینها همه مسئله تمامیت ارضی را برجسته می کنند؟

**کاظم نیکخواه:** دقیقاً سؤال همین است. یعنی ارتجاعی بودن و ضدانسانی بودن این نوع بحث ها همین جا خودش را بیشتر نشان می دهد. شما اگر این سؤال را جلوی اینها بگذارید و بگویید بسیار خوب نقشه گریه نشان سر جای خودش مگر کسی مشکلی دارد؟ چرا این را مسئله می کنید، معمولاً می گویند بله در آذربایجان، در کردستان، در سیستان و بلوچستان، در خوزستان، یک عده ای هستند می خواهند مملکت را تجزیه کنند. اشاره شان هم به حق طلبی مردم تحت ستم تحت تبعیض در این مناطق است. اما تجزیه را جلوتان می گذارند تا بگویند بحث جا دارد. ممکن است دوتا نقل قول هم بیاورند که فلان شیخ پشم الدین یک چیزی مثلاً در دفاع از استقلال آذربایجان یا کردستان یک جایی گفته است و همین کافی است که اینها هم زندگی خودشان را این گونه تعریف کنند و به این شکل متاع کثیف خودشان را بخواهند به مردم بفروشند که آره یک عده ای می خواهند مملکت را تجزیه کنند. حالا این تجزیه چیست؟ بالاخره مردم در دوران دیکتاتوری پهلوی و در دوران جمهوری اسلامی در آذربایجان و در کردستان و در سیستان و بلوچستان و جاهای دیگر تحقیر شده اند، زیر ستم و سرکوب مداوم بوده اند، مورد تبعیض قرار گرفته اند و می خواهند از این ستم و تبعیضات آزاد شوند. می خواهند با بقیه مردم برابر باشند. می خواهند زندگی برابر داشته باشند و اتفاقاً اگر کسی مسئله اش این باشد که مردم در کنار هم بمانند و جدا نشوند باید از حقوق انسانی و برابر همه مردم دفاع کند. نه اینکه روی خاک و مرز و اینها بکوبد و بگوید این مقدس است در مورد این نباید حرف بزنید به مرز نباید دست بزنید و بحثی از برابری و آزادی نکنید و امثال اینها. بالاخره سؤال واقعی این است که اگر یک مردمی، به فرض مردم کردستان آن چنان زیر سرکوب و ستم بودند و سال ها و سال ها سرکوب شدند چه باید بکنند؟ برای نمونه مورد کردستان عراق را فکر کنید که یک نمونه زنده جلوی چشم ماست. در دوران صدام این مردم بمباران شیمیایی شدند و هزاران زن و مرد و کودک در حلیچه قتل عام شدند. این مردم بارها از خانه هایشان به اجبار کوچ داده شدند، تعداد زیادی اعدام شدند. خانه ها و روستاهایشان را با خاک یکسان کردند. طبیعی است که این مردم بخواهند جدا شوند. سال های سال تفرقه و نفرت قومی را میان کرد و عرب دامن زدند و عملاً به نفع هر دو سو است که جدا شوند. در کردستان ایران هم تبعیض و سرکوب و ستمگری چه امروز چه در زمان پهلوی ها وسیع بوده است. اما خوشبختانه به خاطر وجود چپ به خاطر فضای اعتراضی به خاطر تلاش هایی که برای همبستگی مردم ما کمونیست ها انجام داده و مانع نفرت پراکنی ناسیونالیسم فارس و کرد و ترک شده ایم فضا عوض شده است. در نتیجه فکر می کنم الان در ایران این فضا وجود ندارد که مردم بخواهند جدا شوند. ولی اگر بالاخره مردم منطقه ای مثل کردستان بخواهند و در یک رفتارندوم تصمیم بگیرند که جدا شوند باید حشش را داشته باشند. ناسیونالیست ها در برابر این چنین وضعیت احتمالی چه می گویند؟ رگ گردنشان بیرون می زند. می گویند تمامیت ارضی مقدس است. لشکرکشی! بند پوتین های تان را ببندید و سرکوب می کنیم و به خون می کشیم. این فضایی است که می خواهند دامن بزنند؛ ولی خوشبختانه این نوع تلاش ها در جامعه ایران جایی ندارد. در انقلاب زن زندگی آزادی جایی ندارد. فضای اجتماعی این

نیست. برعکس است. به ویژه در این انقلاب زن زندگی آزادی ما شاهد یک فضای همبستگی برابری طلبی پیوند همه مردم علیه جمهوری اسلامی برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم. یک انقلابی شکل گرفته که از کردستان گر گرفته با قتل مهسا (ژینا) امینی. در سیستان و بلوچستان هر هفته جمعه های اعتراض را داریم و زاهدان به ستون این انقلاب تبدیل شده. در تهران خیزش های مختلف را می بینیم و شیراز و مشهد و اصفهان هم همین طور. یعنی سراسر مملکت مردم دارند دست در دست هم علیه حکومت اسلامی می جنگند و مبارزه می کنند. همین روزها که سالگرد کشتار جمعه خونین زاهدان است ما جنب و جوش وسیعی را در سراسر کشور و حتی در خارج کشور در سالگرد جمعه خونین زاهدان شاهد هستیم. این همبستگی شورانگیز و ستایش انگیز است. این یعنی مردم کنار هم اند. با هم اند «ما همه با هم هستیم» شعارشان است. نه تو به خط خودت من هم به مرز خودم و خاک و خون و تقدس تمامیت ارضی و امثال اینها.

**سیما بهاری:** در رابطه با همین مسئله ستم که گفتید تحت فشار بودن بخشی از جامعه مثل عرب های خوزستان مردم کردستان و غیره و غیره پاسخ دیگری بخشی می دهند با عنوان فدرالیسم. می گویند فدرالیسم باعث می شود تمرکز قدرت در دست یک عده نباشد. تمرکز ایجاد نشود و این به نفع مردم است مانع تبعیضات و ستمگری ها علیه اقلیت های قومی و ملی توسط حکومت های مرکزی مثل دوره شاه و دیکتاتوری های شبیه آن و جمهوری اسلامی و غیره می شود. می گویند این پاسخ مسئله است. نظر شما چیست؟

**کاظم نیکخواه:** به نظر من فدرالیسم هم روی دیگر تمامیت ارضی است و مطلقاً پاسخ تحت ستم بودن مردم و دیکتاتوری و تمرکز علیه مردم نیست. یک نمونه همین نمونه کردستان عراق است که الان جلوی چشممان است و اشاره کردم. چند سال است که با سرنگونی حکومت صدام یک دولت خودمختار اقلیم کردستان تشکیل شده و دارد کار می کند. همین دولت به شیوه همه حکومت های دیکتاتوری دارد مردم را سرکوب می کند. همین سال گذشته وقتی مردم جمع شدند علیه بیکاری اعتراض کردند دولت خودمختار اقلیم کردستان به سوی آنها شلیک کرد و شماری را زخمی کرد. بارها این اتفاق در اقلیم کردستان افتاده و پلیس این دولت به مردم معترض حمله کرده. نمونه ها در دنیا بسیار است. دولت کوچک به معنی از بین رفتن تمرکز نیست. مسئله اصلی این است که مردم، کارگر معلم زن بازنشسته و جوانان و همه مردم چه نقشی. در تصمیم گیری های سیاسی و سراسری دارند و قدرت دست مردم است یا یک اقلیت. این عامل است که توضیح می دهد که تا چه حد تمرکز وجود دارد یا وجود ندارد. امکان دارد که یک شهر جدا شود و مستقل باشد؛ اما در دست یک مشت دیکتاتور و سرکوبگر باشد. این امکان پذیر است. این عملاً به نحوی وجود دارد. دولت های کوچک در دنیا وجود دارند که دیکتاتوری هم هستند. کشورهای بزرگ هم وجود دارند که کمتر دیکتاتوری هستند. ما چه می گویم؟ ما می گویم از طریق تصمیم گیری مردم، شوراهای مردم، تصمیم گیری مردم از طریق شوراهایشان و دخالت مستقیم مردم در قدرت و سهیم شدن مردم در قدرت و اینکه اداره جامعه در دست یک اقلیت مفت خور نباشد، می شود از دیکتاتوری و سرکوب و تمرکز و خودکامگی خلاص شد. نه با فدرالیسم.

بحث فدرالیسم در ایران می دانید؛ یعنی چه؟ ببینید ما الان جامعه ای داریم که مردم در کنار هم هستند. فرض کنیم الان همه قبول کنیم که کشور به دولت های فدرال تقسیم شود. بلافاصله جنگ و کشاکش بین مردم دامن زده می شود که مثلاً بوکان جزو کردستان است یا آذربایجان. سندیج جز آن طرف است یا این طرف. کرمانشاه جزو کردستان است یا یک استان دیگر. یعنی کشاکش بین مردم را اینها می خواهند با کمک طرح فدرالیسم دامن بزنند. چون این جریانات ادامه موجودیتشان به همین نوع تفرقه های

می‌شوند. بعداً در نتیجه توازن جدیدی که در جنگ‌ها ایجاد می‌شود ایالات متحده‌ای تشکیل می‌شود به شکلی که شاهدیم. حتی ایالات لوئیزیانا را که منطقه وسیعی هست از کانادا یا فرانسه خریداری می‌کنند. با این اشاره کوتاه به تاریخ این کشورها می‌خواهم بگویم که هرکدام از این کشورها تاریخی دارند. در یک روند تاریخی سوئیس یا آلمان یا آمریکا به فدرالیسم در ادامه جنگ‌ها و کشاکش‌ها و در یک توازن میان چند کشور توانسته‌اند به صورت فدرال کنار هم بمانند. وگرنه هر استانی یک دولت مستقل می‌شد. نکته قابل توجه در همه این موارد این است که این گونه نیست که در این کشورها یک کشور واحد و یکدست را تکه‌تکه کرده‌اند و به فدرال‌های مختلف تقسیم کرده‌اند. برعکس بوده. کشاکش‌هایی بوده مناطق مختلف را به هم چسبانده‌اند و بالاخره توانسته‌اند به صورت یک کشور دوام بیاورند.

**سیما بهاری:** بنابراین شما می‌گویید نه فدرالیسم و نه تمامیت ارضی. سؤال این است که راه حل ستم ملی بر مردم کرد، عرب، بلوچ از نظر شما چیست؟

**کاظم نیکخواه:** ببینید در جامعه ایران دیکتاتوری خون آشامی الان سر کار است و دیکتاتوری سرکوبگری هم زمان شاه حاکم بوده و در این دیکتاتوری‌ها نه فقط به مردم آذربایجان و سیستان و بلوچستان و کردستان ستم و تبعیض روا داشته شده، بلکه به همه مردم ستمگری و دیکتاتوری اعمال شده. راه خلاصی از این وضعیت این است که به این نوع حاکمیت‌هایی که یک باند و اقلیتی مثل دربار و باند ولی فقیه و اینها دارند حکومت می‌کنند پایان داده شود، و مردم همه مردم در شوراهایشان متشکل شوند، شهر، روستا کارخانجات دانشگاه‌ها، و همه‌جا این شوراهای مردمی باشند که سیستم اجتماعی را تعیین می‌کنند و جامعه را اداره می‌کنند. در این مورد می‌شود مفصل جداگانه بحث کرد. اساس مسئله این است که مردم تعیین کننده و تصمیم گیرنده باشند. واقعاً در عمل هر روز و همه‌جا تصمیم گیرنده باشند و برای اینکه مردم تصمیم گیرنده باشند تنها سیستمی که تا کنون کارایی خودش را برای دخالتگری مردم در عمل نشان داده، و معمولاً در دوره‌های انقلابی که مردم در میدان هستند ابراز وجود کرده که می‌تواند ظرف مناسبی برای متشکل شدن مردم باشد شوراها بوده‌اند. ستم و تبعیضات ملی بر همه مردم تماماً باید برچیده شود و در نتیجه قانون جامعه باید این باشد که به هیچ کس بر اساس ملیت، قومیت، زبان، مذهب، جنسیت و غیره نباید در هیچ سطحی و هیچ میزانی تبعیض اعمال شود. همه مردم حقوق برابر دارند و باید به طور برابر از امکانات اجتماعی و اقتصادی برخوردار شوند و به زبان مادری خودشان بتوانند حرف بزنند. تدریس کنند و تحصیل کنند و الی آخر. اینها را اگر کامل اجرا کنیم (البته من فقط اشاره‌ای کردم. ما به طور همه‌جانبه‌ای در برنامه‌مان برنامه یک‌دنیای بهتر اعلام کرده‌ایم که مردم تمام کشور با حقوق برابر، شرایط برابر، رفاه برابر می‌توانند و باید زندگی کنند). از این طریق می‌شود به ستم ملی و کل تبعیضات پایان داد و باید پایان داد و مانع این شد که یک‌مشت اوباش و شاه و دربار و ولی فقیه همه‌کاره شوند و بگویند بند پوتین‌ها را باز نکنید تا قائله آذربایجان و کردستان را تمام کنید. این فضا فضایی است که دیکتاتورها و سرکوبگران ایجاد کرده‌اند و ما می‌توانیم، جامعه نشان داده می‌داند چه کار کند. در همین انقلاب زن زندگی آزادی ما منشور ۲۰ تشکل را داریم که در واقع مانیفست انقلاب زن زندگی آزادی را بیان کرد و در بندبندش سیستمی را بیان می‌کند که تضمین می‌کند مردم چگونه در کنار هم به خوبی می‌توانند زندگی کنند. منظورم این است که فقط ما نیستیم که این را می‌گوییم. امروز جامعه دارد خودش را بیان می‌کند که برابر آزاد و مرفه بتواند زندگی کند و این راه شناخته شده است و وجود دارد.

**سیما بهاری:** خیلی متشکرم از شما که در این برنامه شرکت کردید.

قومی و کشاکش‌ها گره‌خورده است. طرحی برنامه‌ای برای آینده این جامعه جدا از این ندارند. می‌توانند در جنگ دوام بیاورند. در کشاکش و تفرقه می‌توانند یک تپه‌ای یک جایی را بگیرند و تیر شلیک کنند. ولی اگر مردم همبسته و متحد باشند و جنگ و تفرقه‌ای میان مردم نباشد اینها حرفی برای گفتن ندارند جایی در میان مردم ندارند. در نتیجه به اختلافات قومی و ملی و اینها نیاز دارند. می‌خواهند در کشوری که مردم به نحو ستایش‌انگیزی واقعاً متحدند، تفرقه و جنگ راه بیندازند. بیایید بنشینیم خط کش بگذاریم اینجا را جدا کنیم و آنجا را جدا کنیم دولت فدرال شیراز و اصفهان و تبریز تشکیل بدهیم. بعد با هم بجنگیم ببینیم کجا مرز کجاست. این اساس مسئله است. در نتیجه فدرالیسم در این مملکت مطلقاً موضوعیتی ندارد. مطلقاً جایی ندارد. مطلقاً ارتجاعی است. تفرقه‌افکنانه است و به جریانات تمامیت ارضی خواه و راست خوراک می‌دهد که آنها هم روی تقدس مرز و یک‌پارچگی مملکت و اینها بکوبند و این نوع مسائل را به مشغله مردم تبدیل کنند. اینها همدیگر را تغذیه می‌کنند.

**سیما بهاری:** ولی الان در حال حاضر در برخی کشورها همین سیستم فدرالیسم حاکم است و دارد اعمال می‌شود و کار می‌کند و مشکل جدی ای ندارد. مثلاً در سوئیس در آمریکا در آلمان، و مردم هم دارند زندگی عادی‌شان را می‌کنند. آیا با اتکا به این الگوها با اتکا به این نمونه‌ها نمی‌شود سیستم حکومتی در ایران را هم این‌جوری شکل داد؟

**کاظم نیکخواه:** این نوع نمونه‌ها را فدرالیست‌ها مطرح می‌کنند؛ اما مطلقاً جواب مسئله نیست. شما وقتی به تاریخ همین کشورهایی که اشاره کردید مراجعه کنید متوجه می‌شوید که تاریخی پشت فدرالی شدن این چند کشور وجود دارد. نمی‌شود آن تاریخ را کنار گذاشت و فقط نتیجه را نگاه کرد. سوئیس کشور جالبی است و تاریخ جالبی دارد. وقتی به عقب برگردید می‌بینید که از چهارصد سال پیش جنگ‌هایی صورت گرفته کشاکش‌هایی زیادی در اطراف این منطقه صورت گرفته و دولت و کشوری بنام سوئیس وجود نداشته. دولت‌ها و کانتون‌های کوچکی وجود داشتند که مستقل بودند و هرکدام قوانین و زبان و معیارهای خود را داشتند. تا می‌رسیم به انقلاب فرانسه. ناپلئون این کانتون‌ها را که عمدتاً زیر سیطره اشرافیت به‌زور تسخیر می‌کند و تحت عنوان جمهوری هلوتیک یا هلوسیا به هم می‌چسباند. سال‌ها اینها به این شکل وجود داشتند. بعد با شکست ناپلئون در جنگ با دولت‌های دیگر، این دولت هم از هم می‌پاشد و باز این کانتون‌ها از هم جدا می‌شوند و کشاکش‌ها گسترش پیدا می‌کند. بعداً در توازن جدیدی در قرن نوزده میان دولت‌های فرانسه و آلمان و ایتالیا و غیره دولت سوئیس را تقریباً به شکلی که الان هست تشکیل می‌دهند. بعداً یک تغییرات دیگری هم صورت می‌گیرد. جالب است بدانید که کشور کنونی سوئیس در نتیجه این تاریخ، چهار زبان رسمی دارد. فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی و رومی. بعلاوه جالب‌تر این است که این کشور رسماً پایتخت ندارد. به طور غیررسمی در مراودات بین‌المللی شهر برن به‌عنوان پایتخت این کشور قلمداد می‌شود. این داستان فدرالیسم در کشور سوئیس است. خوشبختانه از اواسط قرن نوزده دولت سوئیس وارد جنگی با هیچ کشوری نشده است و توانسته خودش را در جنگ‌های مختلف بی‌طرف اعلام کند. می‌خواهم بگویم که دولت سوئیس در یک روند و تاریخی به این سیستم رسیده که شاهد هستیم. آمریکا هم همین‌طور است. بعد از جنگ‌های استقلال از انگلیس و بعد جنگ‌های شمال و جنوب که صورت می‌گیرد کم‌کم ایالات شمال و جنوب هرکدام سیاست و موضعی دارند. شمال علیه برده‌داری است و جنوب از برده‌داری دفاع می‌کند. در این جنگ‌ها و کشاکش‌ها شمال و جنوب از هم جدا



تندیس قاسم سلیمانی زیر باران آشغال  
از صفحه ۵

جنایتی دیگر در اوج استیصال  
از صفحه نخست



تنها نتیجه معکوس گرفته‌اند.

جمهوری اسلامی امروز حکومتی نیست که در اوج قدرت دست به سرکوب بزند و مردم را مرعوب کند. کاملاً ضعیف و شکننده است،

در موضع ضعف قرار دارد. چند روزی بیشتر از اجرای قانون حجاب و عفافشان نگذشته که به این وضع افتاده‌اند. این حکومت شدیداً متوحش و ضربه‌پذیر است و توان مقابله با مردم را ندارد.

موج آینده اعتراضات خیابانی با تأکید بیشتر روی تشکل و سازمان‌یابی از جانب همه جنبش‌های اعتراضی می‌تواند طومار این جانیان را برای همیشه در هم بپیچد. رژیم در تمام عرصه‌ها به بن‌بست رسیده و مردم نیز این حقیقت را می‌دانند. اکنون زمان فرودآوردن آخرین ضربه بر پیکر متلاشی جانیان اسلامی است. \*

سلیمانی جنایت‌کار، قدرت‌نمایی‌ای در ادامه اعتراضات و اعتصابات عمومی و سراسری شهرهای استان سیستان و بلوچستان بود و نشان داد که جامعه و بخصوص جوانان آزادی‌خواه هیچ سرسازشی با حکومت ندارند و از هر روزنه‌ای برای سوق‌دادن حکومت به سوی سرنگونی استفاده می‌کنند و انقلاب خود را با قدرت به‌پیش می‌برند.

قدرت‌گیری انقلاب به‌واسطه ادامه‌دار بودن و پی‌وقفه بودن اعتراضات عمومی و اجتماعی از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ حکومتی را که طی یک سال گذشته هزینه‌های هنگفتی برای امنیتی کردن فضای کل جامعه کرده بود، حکومتی که بیش از ۲۰ هزار نیروی سرکوبگرش را به البسه دوربین‌دار مجهز کرده و حکومتی که طی دو ماه گذشته تمام میدان‌ها، خیابان‌ها و کوچه‌های محلات و مناطق حساس شهرها را مجهز به دوربین‌های مداربسته نصب شده در ارتفاع دو متری برای شناسائی دقیق‌تر معترضین کرده بود و در عریده‌کشی‌های جدید سردارانش توان کنترل و تشدید سرکوبگری با استفاده از این دستگاه‌های تازه امنیتی را گویزند می‌کردند، این‌گونه به‌زانو در می‌آورد!

در جامعه‌ای که تفکر انقلابی به عمل انقلابی می‌رسد و انقلاب را به جریان می‌اندازد، جنایت‌کارترین و دیکتاتورترین حکومت‌هایی مانند جمهوری اسلامی را هم با سابقه ۴۴ سال سرکوب، کشتار، ترور، قتل و زندان و شکنجه را با وجود به‌کارگیری مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین ماشین‌آلات و ابزارآلات سرکوبگری به‌زانو در می‌آورد.

جمهوری اسلامی امروز، حکومت به‌زانو درآمده در برابر انقلاب در جریان مردم انقلابی ایران است و با قدرت انقلاب سرنگون خواهد شد. \*

## آزادی بی‌قید و شرط عقیده

بیان، اجتماعات، مطبوعات تظاهرات،

اعتصاب

تشکل و تحزب

در ایران

فورا باید اعلام و برقرار شود.



مذهب فقط جهل نیست. خرافه نیست. فقط موعظه بی‌پایه و

بی‌اساس نیست. مذهب یک سیستم تعصب پراکنی، تفرقه

گستری، تسلیم‌طلبی، خشونت و جنایت است. با مذهب

می‌شود منطق انسانی را از آدم‌ها گرفت. انسان‌ها را تبدیل به

گرگ‌های درنده شبیه داعش و خلخالی و لاجوردی کرد.

زنان یعنی نیمی از انسان‌ها را از رده انسانی خارج کرد و مورد

تبعیض و ستم و توحش قرار داد، با مذهب می‌شود چشم‌ها

را بست و عقل و شعور آدم‌ها را از آن‌ها گرفت. با مذهب

می‌شود جنگ و کشتار و آدم‌کشی را به لذت تبدیل کرد. با

مذهب می‌شود فقر و استثمار و محرومیت را مشیت الهی

قلمداد کرد. با مذهب می‌شود دشمنان مردم را دوست و

دوستان مردم را تبدیل به دشمن کرد. با مذهب می‌شود

مردم محروم را به دنبال چپاول گران زندگی‌شان بسیج کرد و

به حرکت در آورد. به دنبال برده‌داران، به دنبال فئودال‌ها و

زمین‌داران و اشراف و به دنبال سرمایه‌داران و مفت‌خوران.

این کارکرد مذهب است که باعث می‌شود کمونیست‌ها

مخالف جدی مذهب باشند.

(از مقاله کمونیسم و مذهب)



## فراخوان حزب کمونیست کارگری در مورد تبلیغات فاشیستی علیه مهاجرین افغانستانی

### مردم به‌پاخاسته ایران

در روزهای گذشته تبلیغات فاشیستی گسترده‌ای علیه مهاجرین افغانستانی در ایران به راه افتاده است. این حمله‌ای کثیف و ضدانسانی به میلیون‌ها مهاجر ستم‌کشیده افغانستانی از یک‌طرف و از طرف دیگر حمله‌ای به انقلاب، منحرف کردن اذهان مردم از انقلاب و به جان هم انداختن مردم است. با تمام قوا باید در مقابل آن ایستاد و این توطئه خطرناک و غیرانسانی را در نطفه خفه کرد.

نیروهای راسیستی در همه جای دنیا مشکلات نظام غیرانسانی سرمایه‌داری، بیکاری و کمبود مسکن و خشونت‌های ذاتی نظام خود را به گردن خارجی‌ان می‌اندازند و با چاشنی انواع دروغ، تهمت، بزرگ‌نمایی، ارائه آمارهای غیرواقعی، وارونه جلوه‌دادن حقایق، بخشی از جامعه را به جان بخش دیگر می‌اندازند تا جا پای خود را سفت کنند و دست‌راستی‌ترین و ضد مردمی‌ترین سیاست‌ها را علیه اکثریت مردم زحمت‌کش به خورد جامعه بدهند.

در ایران این راسیسم صمدبار غیرانسانی‌تر و سیستماتیک‌تر مستقیماً توسط خود حکومت اسلامی نمایندگی می‌شود. این سیاست حکومت در تمام دوران حاکمیتش بوده است. اما حجم وسیع تبلیغاتی که در روزهای اخیر علیه مهاجرین افغانستانی، به شیوه عجیب و به یکباره شروع شده هدف مشخصی را تعقیب می‌کند: ضربه‌زدن به انقلاب، منحرف کردن اذهان مردم، برداشتن فشار جامعه از روی حکومت و انداختن جامعه به جان بخش محروم دیگری از جامعه تا انقلاب را خفه کنند و خود را از بحران انقلاب نجات دهند. اتاق فکر رژیم یکباره راه‌حلی پیدا کرده و دشمن تازه‌ای را به مردم معرفی می‌کند تا خود را از مخمصه نجات دهد. رسانه‌ها و مقامات حکومت به دو شکل علیه مهاجرین افغانستانی به نفرت‌پراکنی مشغول شده‌اند. بخشی از رسانه‌ها و مقامات در لباس دفاع از افغانستانی‌ها تحت عنوان برادران مسلمان ظاهر شده‌اند تا علیه مردم به‌پاخاسته رجزخوانی کنند و افغانستانی‌ها را که به دست دو رژیم اسلامی از همه چیز محروم شده‌اند حامی خود جلوه دهند و بخش دیگری از مقامات و رسانه‌ها مستقیماً علیه مهاجرین افغانستانی تبلیغ می‌کنند و با وقاحت محروم‌ترین بخش جامعه را که شدیداً توسط مفت‌خوران حاکم استثمار می‌شوند و از هر حق و حقوق محروم‌اند به باد حمله گرفته و آنها را مسبب مشکلات

جامعه معرفی می‌کنند. هر دو سیاست که ظاهر متفاوتی دارند، یک هدف واحد را دنبال می‌کنند: تلاش برای ایجاد نفرت علیه مهاجرین، معرفی یک دشمن غیرواقعی به مردم و از این طریق تلاش برای نجات خود حکومت. ناسیونالیسم ایرانی و مشخصاً طیف سلطنت‌طلب نیز با خارجی‌ستیزی و تعصبات ارتجاعی ناسیونالیستی با جمهوری اسلامی همسو شده و ابعاد وسیع‌تری به این هجوم تبلیغاتی علیه افغانستانی‌ها داده‌اند. گویی مسبب خرابی جامعه نه حاکمیت ۴۴ساله حکومت اسلامی بلکه انسان‌هایی هستند که جز تحقیر و استثمار شدید و بی‌حقوقی کامل نصیبی از زندگی نبرده‌اند.

خوشبختانه بخش وسیعی از جامعه با برخوردی انسانی به مهاجرین افغانستانی، اهداف پشت این توطئه را به خوبی می‌شناسد و تلاش وسیعی را برای آگاه کردن عده‌ای از مردم که به دام این تبلیغات افتاده‌اند شروع کرده است. جدالی که تلاش می‌کند تا تبلیغات حکومت و ناسیونالیسم نژادپرست ایرانی را افشا کند و با متحد کردن مردم محروم و زحمت‌کش مهاجر و غیرمهاجر صرف انقلاب علیه جمهوری اسلامی را متحد و تقویت کند.

حزب کمونیست کارگری به مردمی که فریب این تبلیغات را خورده‌اند و در دام حکومت و راسیست‌های ایرانی افتاده‌اند هشدار می‌دهد. حزب فعالین و تشکل‌های کارگری و مردمی را به ورود هر چه فعال‌تر به این جدال سیاسی و اجتماعی برای خنثی کردن تبلیغات راسیستی و ضربه‌زدن به انقلاب و هم‌زمان دفاع از حق کار و تحصیل و شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و جلب هر چه بیشتر آنها به صفوف انقلاب فرامی‌خواند. هرچه این صف گسترده‌تر و قدرتمندتر عمل کند به اتحاد صفوف بخش‌های مختلف مردم اعم از مهاجر و غیرمهاجر و به تحکیم صفوف انقلاب کمک بیشتری خواهد کرد.

جمهوری اسلامی و راسیست‌های ایرانی در این جدال نیز بازنده خواهند بود و جبهه انقلاب متحدتر، آگاه‌تر و مصمم‌تر این حیل‌های اسلامی و ناسیونالیستی را پشت سر خواهد گذاشت و به راه خود برای سرنگونی دشمن همه مردم زحمت‌کش و ستم‌دیده ادامه خواهد داد.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۱ مهر ۱۴۰۲، ۳ اکتبر ۲۰۲۳



اساس

سوسیالیسم

انسان است!





بیانیه سه نهاد به مناسبت دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام

## فرمان انقلاب زن زندگی آزادی: لغو مجازات اعدام!

افکار عمومی و اعتراضات سازمان‌ها و نهادهای مخالف اعدام بوده است. این در مورد ایران نیز صادق است. در روز جهانی علیه اعدام با دامن‌زدن بیشتر به گفتمان ضد اعدام و صدور بیانیه و قطعنامه و برپایی تجمع و گردهمایی و یا نوشتن شعارهای همچون "اعدام قتل عمد دولتی است" بر درودیوار شهر و یا به کارگیری هر ابتکار مبارزاتی دیگر عزم و اراده جامعه را برای لغو مجازات ضدانسانی اعدام در ایران به نمایش بگذاریم.

ما خواهان الغای فوری و

بی‌چون و چرای مجازات اعدام و لغو همه احکام اعدام در ایران هستیم. از نظر ما اعدام به هیچ وجه و در هیچ شرایطی مجاز نیست. اعدام مخالفین سیاسی و عقیدتی، اعدام به دلیل گرایش جنسی و اعدام کودکان نه فقط باید مطلقاً متوقف شود؛ بلکه هر مورد باید به عنوان جنایت جمهوری اسلامی علیه بشریت در سطح جهانی محکوم شود. ما خواهان تشکیل کمیته‌های حقیقت‌یاب در مورد تمامی اعدام‌های صورت گرفته در جمهوری اسلامی هستیم. ما خواهان توقف نمایش‌های خیابانی اعدام و محکوم کردن جهانی آن هستیم. قانون قرون وسطایی و ضدبشری قصاص و دخیل کردن اولیای دم در تصمیم‌گیری در مورد اعدام باید فوراً متوقف شود. ما بخشی از جنبش دادخواهی در ایران هستیم و برای تحقق همه خواسته‌های آن و از جمله محاکمه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت می‌کوشیم.

ما همه ایرانیان خارج کشور را فرامی‌خوانیم که به مناسبت روز جهانی علیه اعدام، با برگزاری میتینگ‌های اعتراضی در کشورهای مختلف دنیا ضمن اعتراض به رژیم اعدام جمهوری اسلامی پیام‌آوران جامعه‌ای بدون اعدام باشند. انتظار ما از مردم دنیا و جامعه جهانی این است که با اعمال فشار سیاسی قاطعانه علیه جمهوری اسلامی و بایکوت این رژیم آدمکش، به ما برای برچیدن بساط اعدام در ایران یاری رسانند.

مردم در ایران وارد مصافی جدی با جمهوری اسلامی شده‌اند و این حکومت را نمی‌خواهند. جمهوری اسلامی جایی در آینده ایران ندارد. آینده از آن مردم است. همراهی شما جهانیان با مردم ایران به برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و انسانی یاری خواهد رساند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

۱۲ اکتبر ۲۰۲۳ - ۱۰ مهر ۱۴۰۲

# روز جهانی علیه اعدام 10th October World Day Against Execution اکتبر



علیه حکومت اعدامی به خیابان می‌آییم!

بیانیه سه نهاد به مناسبت دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام



**NO TO EXECUTION IN ISLAMIC REPUBLIC**

روز دهم اکتبر روز جهانی علیه مجازات شنیع و ضدانسانی اعدام است. به این مناسبت ما سه نهاد کمیته بین‌المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی با صدای بلند اعلام می‌کنیم که بساط اعدام در ایران باید برچیده شود و صدور هرگونه حکم اعدام باید پایان یابد. زندگی در شعار محوری انقلاب یعنی زن زندگی آزادی، تأکیدی بر این واقعیت است که مردم ایران می‌خواهند به هرگونه جنایت حکومتی و قتل عمد

دولتی در ایران خاتمه دهند و از حق حیات و تضمین زندگی انسانی برای همگان دفاع می‌کنند.

امسال در شرایطی به پیشواز روز جهانی علیه اعدام می‌رویم که میزان اعدام‌های انجام گرفته از سوی رژیم اسلامی رشد صعودی داشته است. بنا به گزارشات موجود در سال ۱۴۰۱ دست کم ۶۱۷ شهروند از جمله ۱۳ زن و ۶ کودک - مجرم اعدام شدند که در مقایسه با سال ۱۴۰۰ بیش از ۸۰ درصد افزایش داشته است. همچنین در نیمه اول سال جاری حداقل ۳۲۹ نفر توسط جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند. بنا به گزارش هرانا در ده سال گذشته (۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳) در مجموع ۴۸۲۹ مورد اعدام به اجرا گذاشته شده است.

در طول انقلاب زن زندگی آزادی جمهوری اسلامی حداقل هفت نفر از معترضین دستگیر شده به نام‌های محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمد مهدی کریمی، محمد حسینی، مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی را اعدام کرد که با خشم و اعتراض عمومی جامعه روبرو شد. کشتن این معترضین یکبار دیگر نشان داد که اعدام ابزار سرکوب حکومت برای مقابله با مردم معترض است. حاکمان اسلامی فکر می‌کنند با برقرارکردن چوبه‌های دار در زندان‌ها و بعضاً در ملا عام و پهن کردن بساط آدمکشی می‌توانند جامعه را به سکون بکشانند. اما در این کشور هرگونه اقدام سرکوبگرانه رژیم به موضوعی برای اعتراض بیشتر مردم تبدیل می‌شود. در همین رابطه از جمله می‌توان به اعتراضات وسیع مردم در ارتباط با اعدام سه جوان معترض در شهر اصفهان، صدور بیانیه در محکومیت اعدام از سوی ده‌ها تن از فعالین اجتماعی، اعتراضات خانواده‌های محکومین جرایم عادی که به اعدام محکوم شده‌اند و حتی اعتراض علیه اجرای احکام اعدام در زندان‌ها اشاره کرد.

ما بر این باوریم که در صورت نیرومندتر شدن هر چه بیشتر جنبش علیه اعدام در ایران که ما بارها نمود آن را در واکنش به صدور و اجرای احکام اعدام دیده‌ایم، قادر خواهیم بود اعدام‌ها را در ایران متوقف کنیم. حذف مجازات اعدام در بسیاری از کشورهای جهان حاصل فشار

## اطلاعه‌های هفته اخیر

بیمناک است. بگذار با اعتراضات وسیع و گسترده خود این ترس و نگرانی رژیم را به واقعیت تبدیل کنیم. جمهوری اسلامی باید بداند که هر جنایتش با پاسخ قاطعانه مردم روبرو خواهد شد. لازم است همه بخش‌های جامعه با دست‌زدن به اعتراض و برپایی تجمع، با پرفورمنس‌های خیابانی و شعارنویسی و شعاردهی و بیانیه و هر اقدام دیگری که ممکن است، نسبت به این جنایت اعتراض کنند. ما دست‌های به‌هم‌بافته شده‌مان را به نشانه اتحاد بالا خواهیم برد و به‌خاطر آرمیتا و خانواده‌اش و به‌خاطر آرمیتاها و به کرسی نشاندن حقوق زنان به انقلابمان ادامه خواهیم داد تا کل جامعه را از چنگال این حکومت وحشی رها سازیم.

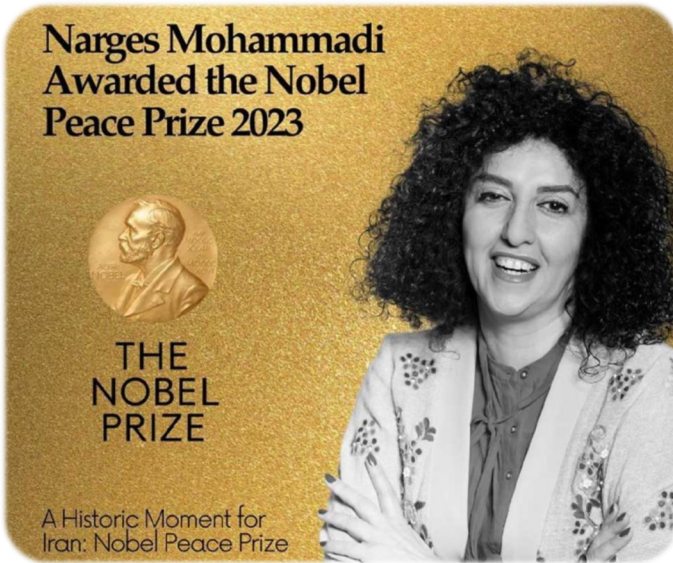
برای آرمیتای عزیزمان صمیمانه آرزوی بهبودی داریم و خانواده نگران او را در آغوش می‌گیریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۴۰۲، ۵ اکتبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## اعطای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی



اعطای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی، زندانی سیاسی که در دل انقلاب زن زندگی آزادی در برابر جمهوری اسلامی ایستاده است، حرکتی در حمایت از این انقلاب است. این اقدامی است که توجه جهانیان را به زندانیان سیاسی در ایران جلب می‌کند و مبارزه برای آزادی این عزیزان را یک گام به جلو می‌راند.

رئیس کمیته نوبل نورژ در دفاع از اعطای این جایزه به نرگس محمدی بر انقلاب زن زندگی آزادی به‌عنوان یک جنبش عظیم مردم تأکید می‌کند. اعطای این جایزه به اعتبار انقلاب صورت می‌گیرد و توجه جهانیان را بر دیگر به انقلاب زن زندگی آزادی جلب می‌کند.

انقلاب، در شرایطی که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند این تصویر را به جهان مخابره کند که همه چیز پایان‌یافته و شرایط عادی است، به‌پیش می‌رود و توجه جهانیان و نهادهای بین‌المللی را بیش‌ازپیش به خود جلب می‌کند. اعطای جایزه به نرگس محمدی حرکتی است در ادامه بیانیه اخیر عفو بین‌الملل در محکومیت جنایات مقامات جمهوری اسلامی علیه خانواده‌های دادخواه و اعتراض کارشناسان سازمان ملل علیه لایحه

## به جنایت علیه آرمیتا اعتراض کنیم!



از روز یکشنبه نهم مهر که حجاب‌بان جمهوری اسلامی در مترو شهیدای تهران آرمیتا گراوند شانزده‌ساله را چنان مورد ضرب و شتم قرار داد که او به کما رفت، نامش چند صد هزار بار در شبکه‌های اجتماعی آورده شده و به صدر خبرهای بسیاری از رسانه‌ها در اقصا نقاط جهان کشیده شده است. همه با نگرانی سرنوشت او را دنبال می‌کنند.

جمهوری اسلامی که به‌خوبی می‌داند چه جنایتی مرتکب شده و مردم را به شدت منقلب کرده است، به کرد آرمیتا گراوند یک حصار امنیتی و نظامی کشیده است. غافل از اینکه هیچ‌چیز از چشمان مردم پنهان نمی‌ماند. آرمیتا را به بیمارستان نظامی فجر در تهران منتقل کردند. پدر و مادرش تنها یک‌بار توانستند از پشت شیشه او را ببینند. رژیم تبهکار اسلامی در نمایشی تهوع‌آور که تنها ترس و وحشتش از تحرک دوباره مردم در اعتراض به این جنایت تازه را عریان می‌سازد، زیوانانه تلاش کرد به مردم بگوید که ضرب و شتمی در کار نبود که گویا "فشارخون آرمیتا دچار افت شده و به زمین خورده است!" پدر و مادر آرمیتا در حالی که عمیقاً نگران وضعیت آرمیتای عزیزشان بودند، مورد تهدید و فشار روحی و روانی قرار دادند و وادار کردند که روایت رژیم را تصدیق کنند. فیلم مقطعی از ماجرا هم منتشر کردند و حتی به سراغ دو تن از هم‌کلاسی‌های آرمیتا رفتند تا به‌زور از زبان آنها دروغ بیرون بکشند. خبرنگار روزنامه شرق را هم که برای تهیه خبر به بیمارستان رفته بود بازداشت کردند. مقابل بیمارستان فجر را نیز امنیتی کردند تا تجمع مقابل بیمارستان کسری تکرار نشود. جنایت پشت جنایت اما وحشت‌زده از عکس‌العمل مردم.

این ترفندها را مردم می‌شناسند. شاه‌ان عینی بلافاصله حقیقت ماجرا را در مدیای اجتماعی به گوش همه مردم رساندند و خبر به‌سرعت به سراسر جهان رسید. حالا دو تن از شاه‌دین عینی به روزنامه گاردین هم گفته‌اند که یک حجاب‌بان جمهوری اسلامی آرمیتا را به دلیل بی‌حجابی مورد ضرب و شتم قرار داده و دلیل به کما رفتن وی همین بوده است.

یکی از این شاه‌ان عینی گفته است که یک فاطمه کماندوی چادریه‌سر رژیم به آرمیتا عربده می‌زند "که چرا حجاب نداری؟" و آرمیتا پاسخ می‌دهد: "مگر من به تو می‌گویم چرا چادرت را بر نمی‌داری؟" و مزدور اسلامی وقتی حاضر جوابی و شجاعت این دختر جوان را می‌بیند به او حمله‌ور می‌شود.

آرمیتا تا آخرین لحظه قبل از جنایت رژیم که منجر به کما رفتن وی شد ساکت ماند و حالا نوبت ماست که خشم و اعتراض خود را نسبت به این جنایت و ظلم و بی‌رحمی نسبت به خانواده او فریاد بزنیم. رژیم از تحرک دوباره مردم در خیابان‌ها در اعتراض به این جنایت به‌شدت



حجاب و عفاف به عنوان مظهر آبارتاید جنسیتی و مصداق جنایت علیه بشریت. انقلاب با خیز مجددی بعد از سالگرد قتل حکومتی مهسا دوباره پیش از گذشته توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. اینها تحولاتی است در جهت طرد و منزوی شدن رژیم تبهکار جمهوری اسلامی در سطح جهانی.

چهره‌هایی که با انقلاب به جلو رانده شده‌اند تا زمانی که همراه انقلاب و برای نابودی کلیت جمهوری اسلامی حرکت می‌کنند، شایسته حمایت نهادهای جهانی هستند. نرگس محمدی یکی از این چهره‌هاست. امیدواریم او استوار و پیگیر به مقابله خود با جمهوری اسلامی و دفاع از انقلاب زن زندگی آزادی ادامه دهد. نرگس محمدی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی‌قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۲، ۶ اکتبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## تجمعات اعتراضی پرشور

### بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد

#### حضور خانواده‌ها در تجمع بازنشستگان در شوش

روز ۹ مهرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون دیگر یکشنبه‌های اعتراضی در شهرهای کرمانشاه، شوش، و اهواز تجمع کردند و صدای اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی بلند کرده و پیگیر خواست‌هایشان شدند. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر سی‌میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی از جمله خواست‌های فوری این بازنشستگان است.

در شوش بازنشستگان کرخه و شوش و هفت‌تپه در کنار هم تجمع کردند و با راهپیمایی به طرف تأمین اجتماعی شعار می‌دادند: "تامینو غارت کردند ما را بیچاره کردند" و بدین گونه صدای اعتراضشان را به چپاولگری حاکمان از صندوق‌های بازنشستگی بلند کردند. یک بنر قابل توجه کارگران در این تجمع تأکیدی بر درمان رایگان بود. در تجمع اعتراضی بازنشستگان در شوش شماری از خانواده‌ها نیز شرکت داشتند. با درس‌آموزی از تجربه شوش می‌توان شرکت خانواده‌ها در اعتراضات را در همه شهرها گسترش داد و فضای اعتراضات را بسیار تقویت کرد. در تجمع شوش یکی از کارگران با سخنرانی پر شور خود از سرکوب تشکل‌های کارگری و علم کردن شوراهای اسلامی و پاسخ‌ندادن به خواست‌های کارگران سخن گفت و از میان جمعیت زنی از خانواده‌های کارگران فریاد زد و گفت چقدر سکوت کنیم؟ حامی ما فقط فقر و بیچارگی است. سکوت، سکوت. چقدر سکوت کنیم؟

در اهواز نیز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند. در کرمانشاه این روز بازنشستگان تأمین اجتماعی با شعارهای "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد، اتحاد"، "اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد" پرچم اتحاد میلیونی کارگری علیه فقر و فساد را در دل انقلاب زن زندگی آزادی برافراشتند. این بازنشستگان همچنین با سر دادن سرود اعتراضی زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی جان فدا می‌کنیم در ره آزادی عزم خود را برای مبارزه علیه فقر و استثمار و بردگی فریاد زدند.

از دیگر شعارهای اعتراضی تجمعات امروز بازنشستگان تأمین اجتماعی این شعارها بود: "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "حقوق نصفه‌نیمه، سکوت کنیم همینه"، "تکمیل همسان‌سازی، بدون حقه‌بازی"، "عدالتی ندیدیم، فقط دروغ شنیدیم"، "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند"، "خواسته ما این زمان معیشت است و درمان، نه مجلس نه دولت، نیستن به فکر ملت"، "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "بازنشسته بیا خیز برای رفع

تبعیض"، "تأمین رو غارت کردن، ما رو بیچاره کردن"، "تأمین اجتماعی، چه اسم اشتباهی"، "ننگ ما ننگ ما مخبر الدنگ ما"، "میره‌اشم موسوی، استعفا، استعفا"، "کو مهار تورم، دروغ میگین به مردم"، "حاصل کار دولت غارت جیب ملت"، و "گرانی تورم بلای جان مردم".

با این شعارها بازنشستگان کل بساط فقر و تبعیض و اختلاس و دزدی گسترده حکومت و مفت‌خوران را به چالش کشیدند. در تجمع بازنشستگان در کرمانشاه حضور زنان قابل توجه بود و بنر قرمزی که بر روی آن نوشته شده بود لشکری، کشوری، فولادی، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد" در جلوی صف اعتراض آنها می‌درخشید و فراخوانی به اتحاد جمعیت میلیونی بازنشستگان است.

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد در شهرهای اصفهان، کرج و ساری در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و مطالبات معوقه خود مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. درمان رایگان، همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش سطح آنها، پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواست‌های فوری آنهاست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مهر ۱۴۰۲، ۱ اکتبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## اعتصاب چهارهزار کارگر

### کارخانه آلومینیوم‌سازی اراک

بنا بر اخبار دریافتی کارگران آلومینیوم‌سازی اراک (ایرالکو) دو هفته است که در اعتصاب به سر می‌برند. از روز گذشته هشتم مهرماه اعتصاب گسترش بیشتری یافت و کارگران شیفت صبح نیز به اعتصاب پیوستند. بدین ترتیب اکنون چهارهزار کارگر این کارخانه قدیمی و بزرگ آلومینیوم‌سازی در اراک در اعتصاب به سر می‌برند. این کارگران خواهان افزایش حقوق‌ها هستند و به گرانی و چپاولگری‌های سهام‌داران شرکت اعتراض دارند.

گفتنی است که آلومینیوم‌سازی اراک دو پروژه هم در مشهد و بندر امام دارد که مجموعاً حدود سیصد کارگر در این پروژه‌ها کار می‌کنند و شخصی بنام محسن محمدی سهام‌دار اصلی این شرکت است. طبق گزارش در این دو هفته مدیریت شرکت میراشرقی و دیگر اعضای هیئت‌مدیره جرئت حضور در جمع کارگران را نداشته و جلسه‌ای در شهرک صنعتی نزدیک به شرکت برپا کردند که در آن نمایندگانی هم از کارگران شرکت داشتند. در این جلسه گفته شده بود که شرکت نمی‌تواند خلاف قانون مزد بیشتری به کارگران بدهد و در برابر این پاسخ مدیریت نمایندگان کارگران جلسه را ترک کردند و از روز گذشته تمام سه شیفت شرکت وارد اعتصاب شدند. قبلاً نیز از نیمه مهرماه کارگران ماشین‌سازی اراک وارد اعتصاب شده بودند و به مدت حدود یک ماه هم در اعتصاب بودند و بنا بر گزارش‌ها بعد از این اعتصاب چهارده درصد به دستمزد کارگران اضافه شد و کارگران موقتاً به سر کار بازگشتند. اما همچنان از سطح نازل حقوق‌ها ناراضی‌اند و پیگیر خواست‌هایشان از جمله وضع قراردادهای کاری‌شان هستند.

اراک شهری با مراکز کارگری بزرگ است. به این اعتبار تجربیات درخشانی از مبارزه از جمله در مراکز کارگری چون هیکو و آذراب را در این شهر داریم. اعتراضاتی که بازتاب وسیع اجتماعی پیدا کردند و خانواده‌های کارگران نقش درخشانی در اعتراضات داشتند. اعتراضاتی که توانست بر روی فضای شهر اراک تأثیر بگذارد و دامنه‌اش به تهران کشیده شد.

اعتراضات کارگران آلومینیوم‌سازی و ماشین‌سازی از فضای پر تلاطم اعتراض در مراکز کارگری این شهر حکایت می‌کند. از تجربیات درخشان کارگران هیکو و آذراب برای تقویت اعتراضات کنونی کارگری در اراک می‌توان سود جست. عدم بازتاب اخبار هر روزه اعتراضات کارگران

تأکید کرد. در این تجمع بنری با نوشته "معلم زندانی آزاد باید گردد" توجه‌ها را جلب می‌کرد و چهره‌های در سخنان خود انتظاراتش را از معلمان شاغل برای پیگیری خواست‌هایشان مطرح کرد.

اکنون بخش‌های مختلف بازنشستگان از جمله بازنشستگان تأمین اجتماعی، مخابرات، فولاد، نفت و کشاورزی در اعتراض به اختلاس‌ها و وخیم‌تر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود و پاسخ نگرفتن مطالباتشان در اعتراض‌اند و روزهای مختلف هفته را به اعتراض خود اختصاص داده‌اند. "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" که از سوی بازنشستگان سر داده می‌شود فراخوانی به اتحاد مبارزاتی ۲۵ میلیون بازنشسته در سطح سراسری و اتحاد جمعیت میلیونی کارگری در سطح جامعه و همه مردم علیه فقر و فساد است. این شعارها را باید همه‌جا تکثیر کرد و به‌سوی تجمعات سراسری بزرگ کارگری خیز برداشت.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ مهر ۱۴۰۲، ۳ اکتبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## ادامه اعتصاب کارگران آلومینیوم اراک و تجمع کارگران سکوی نفتی در فلات قاره و نفت و گاز و پارس و مناطق نفت‌خیز جنوب

همانطور که قبلاً گزارش کردیم کارگران آلومینیوم‌سازی اراک (ایرالکو) با خواست افزایش حقوق‌ها و در اعتراض به گرانی‌ها و چپاولگری‌های سهام‌داران شرکت دو هفته است در اعتصاب‌اند. این اعتصاب ابتدا از شیفت شب آغاز شد و سپس به دنبال جلسه مدیریت با نمایندگان از کارگران و عدم پاسخگویی آنها به خواست کارگران از روز هشتم مهرماه تمام ۴۰۰۰ کارگر در سه شیفت این کارخانه وارد اعتصاب شدند. بنا بر آخرین خبر دریافتی زیر فشار اعتراضات کارگران میراشرافی مدیریت شرکت استعفا داد؛ اما هیئت‌مدیره با استعفا او موافقت نکرده است و اعتصاب کارگران آلومینیوم‌سازی همچنان ادامه دارد.

همانطور که قبلاً اشاره کردیم عدم رسانه‌ای کردن خبر اعتصاب یک کمبود جدی است و توجه فعالین کارگری به این جنبه بسیار مهم است. با رسانه‌ای کردن وسیع اخبار اعتراضات این کارگران می‌توان فضای امنیتی شرکت را در هم شکست.

گزارشات دیگری از اعتراضات گسترده کارگران رسمی در نفت خبر می‌دهند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز دهم مهرماه کارکنان سکوی دریایی در ۲ شرکت فلات قاره ایران و نفت و گاز پارس در اعتراض به تعیین سقف پایین حقوقی و کاهش دستمزدهایشان بار دیگر تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی کارگران با دست‌نوشته‌هایی نسبت به این موضوع اعتراض خود را اعلام کردند. حرکت اعتراضی قبلی این کارگران در همین رابطه در سوم مهرماه صورت گرفت. این کارگران دوشنبه‌های اعتراضی را تا پاسخ‌گویی به خواست‌هایشان اعلام کرده‌اند و هر دوشنبه جمع خواهند شد.

به گزارش این شورا همچنین در روز نهم مهرماه گروهی از کارکنان مناطق نفت‌خیز جنوب، در اعتراض به سقف پایین دستمزد، عدم پرداخت کامل پاداش سنوات بازنشستگی و سایر مطالباتشان، مقابل بلوک دوم ساختمان ۵ طبقه مدیریت شرکت نفت در اهواز تجمع کردند. فضای اعتراضی در میان بخش‌های مختلف کارکنان نفت بالاست. عدم کفاف میزان دستمزدها متناسب با رشد روزافزون و سرسام‌آور قیمت‌ها یک موضوع مشترک اعتراضات در همه بخش‌های نفت و در سطح جامعه است. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت الگوی مناسبی برای سازمان‌یابی

آلومینیوم‌سازی اراک یک کمبود جدی است و توجه فعالین کارگری به این جنبه بسیار مهم است. باید اخبار اعتصاب و اعتراض این کارگران را وسیعاً رسانه‌ای کرد. کارگران در آلومینیوم‌سازی نقش مهمی در اطلاع‌رسانی جهت جلب همبستگی مردم و تقویت مبارزاتشان را دارند. شرکت وسیع خانواده‌ها در تجمعات و اعتراضات بسیار مهم است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مهر ۱۴۰۲، ۱ اکتبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## ۱۰ مهر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات

در ۱۴ شهر

"تا حقمون نگیریم دوشنبه‌ها همینه"

امروز دهم مهرماه بازنشستگان مخابرات در شهرهای خرم‌آباد، اهواز، رشت، کرمانشاه، اصفهان، ساری، ارومیه، زنجان، تهران، اردبیل، اراک، سنندج، یاسوج و شیراز تجمع کردند. آنها هر دوشنبه دست به تجمع و اعتراض می‌زنند و اعتراض آنها به فقر و بی‌تامینی و عدم اجرای کامل آیین‌نامه پرسنی و استخدای سال ۸۹ و مشکلات بیمه ایشان است.

در زنجان بازنشستگان با شعار حقوق شاغلین بموقع پرداخت باید گردد به همکاران شاغل خود اعلام حمایت کردند. در کرمانشاه بازنشستگان علی‌رغم باران شدید تجمع کردند و دست به راهپیمایی زدند و با شعارهای "نه گرما نه بارون نیست جلودارمون!"، "و" بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن" فضای پرشوری از اعتراض برپا نمودند. در اهواز نیز بازنشستگان با راهپیمایی و سردادن شعار تا حق خود نگیریم دوشنبه‌ها همینه است بر تداوم اعتراضات خود تأکید کردند.

بازنشستگان در این تجمعات با شعار "شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد" اعتراض خود را به دزدی‌ها و اختلاس‌ها اعلام کردند. از جمله دیگر شعارهای بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از: "هزینه‌های درمان. حق مسلم ماست"، "مخابرات حیا کن، وعده‌ها را ادا کن"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست"، "برای رفع تبعیض عدالت، عدالت".

همانطور که قبلاً گزارش کردیم بازنشستگان مخابرات در تبریز نیز همزمان با سفر مدیرعامل و هیئت‌مدیره شرکت به این شهر برای شرکت در جلسه افتتاح پروژه نجما، همراه با کارگران رسمی، شرکتی و بخش‌های مختلف شاغل این شرکت در روز هشتم مهرماه تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان با نشستن بر سر سفره‌ای خالی به نشانه اعتراض به وضع بد معیشتی خود و فریاد شعارهایشان صدای اعتراضشان را بلند کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ مهر ۱۴۰۲، ۲ اکتبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## تجمعات بازنشستگان کشوری در سنندج و کرمانشاه

روز ۱۱ مهر بازنشستگان کشوری شامل بازنشستگان و بخش‌های دیگر کارکنان بازنشسته همچون سه‌شنبه‌های قبل و برای پیگیری خواست‌هایشان در شهرهای سنندج و اهواز دست به تجمع زدند.

در اهواز سیامک چهره‌ای از معلمان معترض سخنرانی کرد. او با تأکید بر شعار "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم" بر ادامه مبارزات بازنشستگان



\*\*\*\*\*

## اعتصاب کارگران ملی حفاری کارکنان پالایشگاه نفت و پتروشیمی آبادان

اعتراضات در نفت گسترده است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز چهارشنبه ۱۲ مهر گروهی از کارگران قراردادی وزارت نفت اعم از قراردادی‌های ملی حفاری و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان، در اعتراض به مطالبات ده‌ساله زمین‌مانده خود در مقابل ساختمان مدیریت شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز دست به تجمع و اعتراض زدند.

بنا به خبر دیگری از این شورا در این روز همچنین کارگران شاغل در پتروشیمی آبادان برای دومین روز به دلیل عدم پرداخت شش ماه دستمزدشان و نیز افزایش بدهی‌های این مجتمع که منجر به خوابیدن بخش‌هایی از فعالیت این مجموعه شده است تجمع کردند. از دیگر موارد اعتراض این کارگران، آیت ۴۰ درصد حق جذب است که در گذشته پرداخت می‌شد و در حال حاضر پرداخت آن قطع شده و مدیران شرکت می‌گویند توانایی پرداخت آن را ندارند. طبق همین گزارش کارگران بخش اورهال این پتروشیمی نیز در روز گذشته و امروز در اعتراض به عدم پرداخت ۵ تا ۶ ماهه مزد و حق بیمه خود دست به اعتصاب زدند و تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ مهر ۱۴۰۲، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۳

بخش‌های مختلف کارگران در نفت و تدارک برای اعتصابات قدرتمند و سراسری کارگران در نفت است. این شوراها را در همه جا تکثیر کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ مهر ۱۴۰۲، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## دستگیرشدگان سالگرد جمعه خونین زاهدان باید همگی فوراً آزاد شوند

طبق گزارشات منتشر شده در جریان گرامیداشت سالگرد جان‌باختگان جمعه خونین زاهدان تعدادی بازداشت شدند که تعداد آنها در چهار شهر زاهدان، خاش، میرجاوه و چابهار تا بامداد دوشنبه ۱۰ مهر ۲۱۶ نفر تخمین زده می‌شود که ۳۲ نفر از آنها کودکانی با سن ۱۳ تا ۱۸ سال هستند. قبل از این نیز شماری از فعالین معترض این شهر و دیگر شهرهای سیستان و بلوچستان دستگیر شدند و در زندان به سر می‌برند. دستگیرشدگان جمعه خونین، دستگیرشدگان انقلاب زن زندگی آزادی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

در سالگرد جمعه خونین زاهدان، علی‌رغم همه سرکوبگری‌های حکومت و قشون‌کشی‌هایش به استان سیستان و بلوچستان و نظامی کردن فضای زاهدان و دیگر شهرهای این استان، در روز هفتم مهرماه انبوهی از جمعیت مردم معترض در شهر زاهدان به خیابان آمدند و در شهرهای مختلف این استان تجمعات اعتراضی مردمی برپا شد و در هشتم مهرماه در این استان اعتصاب عمومی کامل برقرار شد.

این جنبوجوش و تحرک گسترده، شکست دیگری برای حکومت اسلامی و سرکوبگری‌هایش بود. سالگرد جمعه خونین زاهدان بیش از پیش عزم مردم برای مقابله با حکومت اسلامی در زاهدان و دیگر شهرهای سیستان و بلوچستان را به نمایش گذاشت. سالگرد جمعه خونین زاهدان در عین حال همبستگی و اتحاد سراسری مردم در شهرهای مختلف دیگر استان‌ها برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به‌وضوح بازتاب داد. این را در شعارنویسی‌های گسترده و فراوان بر درودیوار تمام شهرها، در بیانیه‌های اعتراضی مردمی و فراخوان‌هایی که از سوی شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی و نهاد دادخواهان داده شده بود و در اکت‌های اعتراضی در دانشگاه‌ها به‌صورت پرفورمنس‌های نمایشی و گرامیداشت خدانور لجه‌ای این چهره شاخص جان‌باختگان زاهدان به‌روشنی دیدیم.

این چنین بود که سالگرد جمعه خونین بعد از گرامیداشت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی که پیشروی مهمی برای انقلاب بود، گام دیگری انقلاب را به‌پیش برد. جمهوری اسلامی که خود را بازنده این جنگ می‌بیند با ابزار سرکوب و دستگیری می‌کوشد شعله اعتراضات در زاهدان این استان سراپا اعتراض را بخواباند. حتی سعی کرد با طرح پرداخت دیه، در صفت دادخواهان تفرقه ایجاد کند. اما مردم با دور روز گرامیداشت یاد جان‌باختگان جمعه خونین جواب دندان شکنی به این حکومت منفور دادند. دادخواهان محکم و استوار ایستادند و مادر خدانور لجه‌ای با انتشار کلیپی باصلابت تمام گفت: "ما دیه نمی‌خواهیم ما پاسخ خون شهیدان را می‌خواهیم". او مادران دیگر دادخواه را مورد خطاب قرار داد و گفت دیه نخواهید حق‌تان را بخواهید و آنها را به دادخواهی فراخواند.

برای عقب زدن این کانون داغ انقلاب است که حکومت دست به این دستگیری‌ها زده است. با همبستگی سراسری باید فشار آورد تا دستگیرشدگان جمعه خونین همگی بدون قیدوشرط آزاد شوند. با قدرت انقلاب می‌توانیم در زندان‌ها را بگشاییم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ مهر ۱۴۰۲، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳

این جهل و اسلام زدگی مردم نبود که اسلام و  
خمینی را در کشوری مثل ایران جلو آورد؛ بلکه  
دولت‌های سرمایه‌داری از فضای اسلامی در حدی  
که در ایران از زمان شاه وجود داشت و آماده  
شده بود، استفاده کردند و با استفاده از بلندگوهای  
تبلیغاتی ای مثل بی‌بی‌سی و غیره که در اختیار  
داشتند و با تریبون دادن به دارودسته‌های اسلامی  
آنها را به میان مردم بردند و بعد با کنفرانس  
گوادالوپ خمینی را به قدرت کشیدند. هدفشان  
هم این بود که مانع پیشروی مردم و قدرت‌گیری  
چپ و کارگر در جریان انقلاب ۵۷ شوند...  
(از مقاله کمونیسم و مذهب)



**په حزب کمونیست**  
**کارگری ایران پیوندید**  
**حزب کمونیست کارگری ایران**  
**Worker-communist Party of Iran**

رژیم آپارتاید جنسی در ایران،  
 مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای  
 جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود!  
**سرنگون باد جمهوری اسلامی!**

**The gender apartheid regime in Iran, like the  
 racial apartheid regime in South Africa, must be  
 expelled from the international community!**

**DOWN WITH  
 THE ISLAMIC REGIME OF IRAN!**



**سرنگون باد حکومت اسلامی**

## علیه قتل فاطمه محمد پناهی دختر ۱۷ ساله سردشتی



### مردم آزاده و انقلابی سردشت و سراسر کردستان

فاجعه تکان دهنده قتل دختر ۱۷ ساله فاطمه محمد پناهی در سردشت  
 را حتماً شنیده‌اید. او را به ازدواج اجباری درآوردند و پس از یک سال سه  
 مرد بی رحم او را که تسلیم این ازدواج نشده بود با شلیک گلوله به قتل  
 رساندند.

همه شما زمینه‌های این جنایت بزرگ و مقصرین اصلی آن را  
 می‌شناسید. این نمره مستقیم ۴۴ سال قوانین پررحمانه حکومت علیه  
 زنان، سرکوب هر روزه زنان، قوانین کودک همسری و تبلیغ آن توسط  
 دستگاه تبلیغاتی رسانه‌ها و مساجد، ترویج خرافات کثیف ضد زن که هر  
 روز مانند سمی توسط دستگاه تبلیغاتی حکومت پخش می‌شود، زندانی  
 کردن زنان در حجاب اسلامی و مجاز شمردن قتل زنان تحت عنوان دفاع  
 از ناموس و هزاران جنایتی است که از بدو حاکمیت این رژیم زن‌ستیز،  
 کودک ستیز و بی‌رحم اسلامی در دستور کارش قرار گرفته است. عامل  
 اصلی قتل فاطمه حکومت اسلامی است.

این وظیفه شما است و در توان و قدرت شما است که به جنایت  
 قتل‌های ناموسی پایان دهید. تجربه خروش شما علیه قتل شلیک رسولی  
 در مریوان در ۱۷ شهریور سال قبل، و یک هفته بعد حضور ده‌ها هزار نفره  
 شما بر مزار ژینا، به‌دور انداختن میلیونی حجاب، این پرچم حکومت ضد  
 زن و یک سال تداوم انقلاب علیه بانی و مسبب همه جنایاتی که در این  
 جامعه علیه مردم و به طور ویژه علیه زنان انجام می‌شود، شما را در  
 موقعیت تاریخی مهمی قرار داده است. شما به یمن پیشروی‌های انقلاب  
 زنانه‌ای که در یک سال گذشته در کردستان و در سراسر کشور به راه افتاده  
 و رژیم را مستأصل کرده است، قادرید به این تاریخ خونبار علیه زنان پایان  
 دهید.

### زنان و مردم آزاده سردشت، زنان و مردان مبارز در سراسر کردستان

وقت آن است که روزهای درخشان دیگری را در تاریخ مبارزات  
 آزادی خواهانه خود ثبت کنید. پرچم محکومیت قتل پررحمانه فاطمه  
 محمد پناهی را برافرازید، خود را سازمان دهید، مراسم‌های باشکوه برای او  
 برگزار کنید و موجی از اعتراض در سراسر کردستان به راه‌اندازید. شما  
 می‌توانید و این وظیفه را به دوش دارید.

**زنان آزاده**، پرچم این مبارزه قبل از هر کس، در دست شماست. شما  
 نشان داده‌اید که می‌توانید دست به کارهای عظیم و تاریخی بزنید. جلو  
 بیفتید و سردشت و شهرهای کردستان را به حرکت درآوردید. قتل فاطمه  
 باید آخرین مورد زن‌کشی در کردستان باشد.

گرای باد یاد عزیز فاطمه محمد پناهی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ مهر ۱۴۰۲، ۲ اکتبر ۲۰۲۳



## گزارشی از برخی آکسیون‌های هفته اخیر

تجمع اعتراضی و پرفورمنس زیبایی در شهر مالمو سوئد برای یادبود کشتار زاهدان روز شنبه نهم مهرماه برگزار شد.



در گوتنبرگ سوئد آکسیونی در سالروز جمعه خونین زاهدان روز جمعه هشتم مهرماه ۱۴۰۲ برگزار شد.



برای سالروز جان‌باختگان سرکوب وحشیانه رژیم اسلامی در جمعه خونین زاهدان در هشتم مهرماه در فرانکفورت آلمان هم آکسیون اعتراضی برگزار شد.

در استکهلم سوئد نیز تجمع اعتراضی روز شنبه نهم مهرماه در حمایت از مردم زاهدان تجمعی با حضور هنرمندانی که موزیک و اشعار انقلابی را اجرا کردند، برگزار شد و پرفورمنسی زیبا را هم همراه داشتند.



در تورنتو هم آکسیونی برای حمایت از مردم زاهدان در سالروز جنایات رژیم اسلامی در سال گذشته، روز هشتم مهرماه، جمعه، برگزار شد.

در ونکوور نیز روز یکشنبه دهم مهرماه آکسیونی در ادامه مبارزات مردم زاهدان سازماندهی و برگزار شد.







## انترناسیونال

[anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiarn](https://www.facebook.com/wpiarn)

اینستاگرام: [www.instagram.com/wpi91](https://www.instagram.com/wpi91)

تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://telegram.me/wpi_hkki)

وبسایت: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

ایمیل:

[kazem.nikkhah@gmail.com](mailto:kazem.nikkhah@gmail.com)

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

**KANAL JADID**  
کانال جدید

پخش زنده آنلاین،

پخش زنده

[newchannel.tv/live/tv](http://newchannel.tv/live/tv)

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)